



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

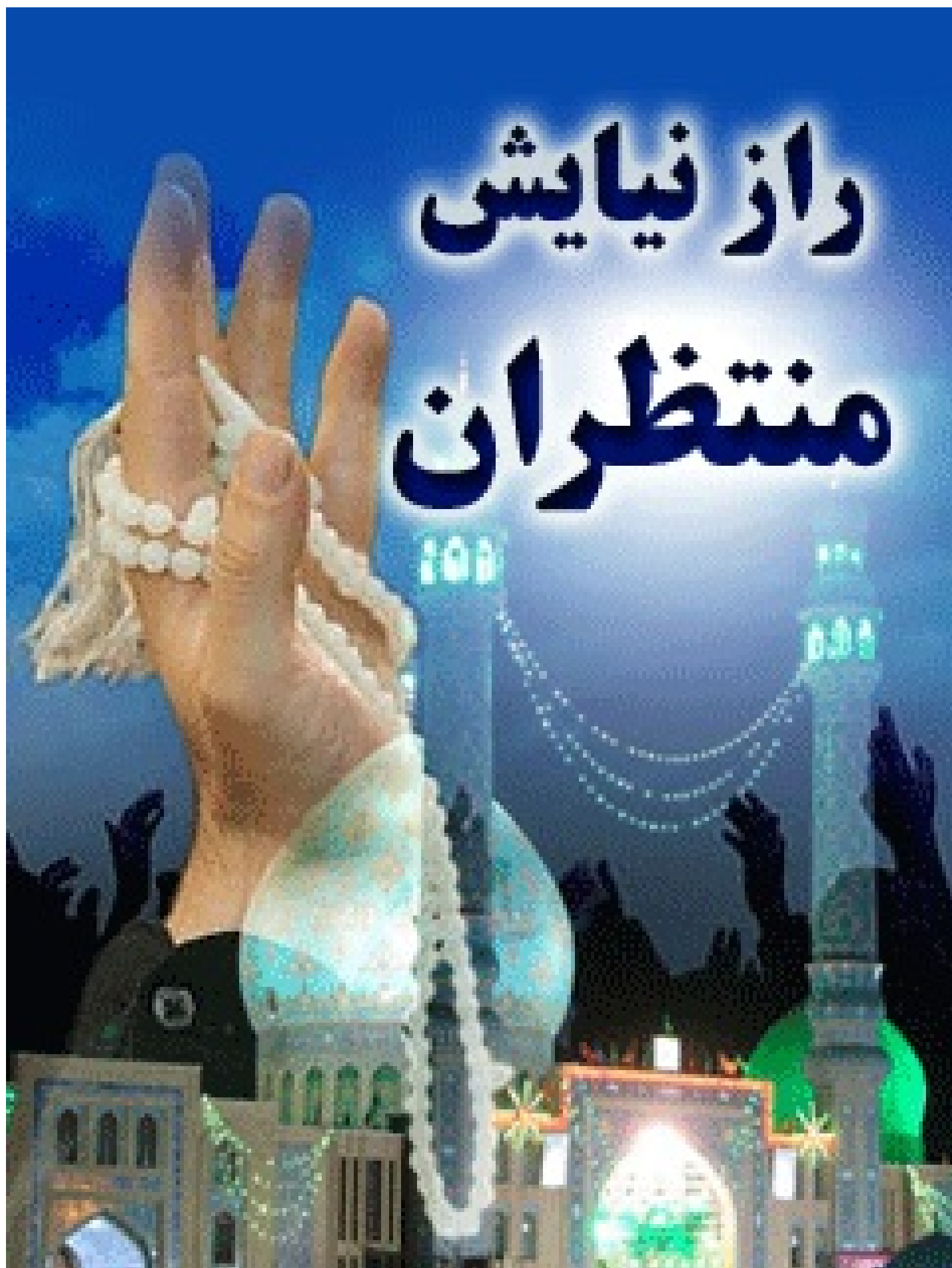


عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

راز نیایش

منتظران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راز نیایش منتظران

نویسنده:

محمد تقی موسوی اصفهانی

ناشر چاپی:

بدر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	راز نیایش منتظران
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۱۲	ثواب و فضیلت انتظار
۱۹	واجب بودن انتظار
۲۱	معنای انتظار
۲۳	انتظار واجب بدنی
۲۳	انتظار قلبی کامل
۲۵	درجه کامل انتظار
۲۷	انواع انتظار
۳۰	ادای حق مؤمن
۳۲	تحقیق در امر دعا
۳۳	دعای ائمه
۳۶	سر اهتمام ائمه در دعا برای ظهور امام زمان علیهم السلام
۳۷	منافع دنیوی دعا
۴۴	فایده های اخروی تداوم در دعا
۵۵	اوقات دعا
۵۹	بعضی از دعاها
۶۸	زیارت حضرت صاحب الزمان علیهم السلام
۷۴	درباره مرکز

عنوان: راز نیایش منتظران

نام پدید آور: محمد تقی موسوی اصفهانی، (معروف به احمد آبادی)، ۱۳۰۸ - ۱۲۶۲

مشخصات نشر: [تهران]: بدر، ۱۳۷۴.

مشخصات ظاهری: ص ۱۱۲

شابک: ۹۶۴-۵۷۲۹-۰۰-۹-۱۸۰۰ ریال

یادداشت: کتاب حاضر از دو رساله "نور الابصار" و "کنز الغنائم" استفاده شده است ...

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

یادداشت: چاپ دوم: پائیز ۱۳۷۴؛ ۲۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۵۷۲۹-۱۰-۶ ISBN

موضوع: مهدویت - احادیث

موضوع: مهدویت - انتظار

موضوع: دعاها

موضوع: (م ح م د) بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

رده بندی کنگره: BP۱۴۱/۵ م/۹ الف ۶ ۴۷۳۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۷۲۸۶

پیشگفتار

استثمار محرومان و بهره کشی از مستضعفان، مشکلی نیست که به تازگی بر جامعه بشری سایه افکنده باشد، بلکه از دیر باز انسانیت دچار این بلای بزرگ اجتماعی بوده و با آن به ستیز برخاسته است. از آغاز خلقت که بنگریم هابیل را در برابر قایل و ابراهیم را در مقابل نمرد، موسی را در رو با فرعون و پیامبر اکرم را در گیر با کفار قریش - همچون ابولهب، ابوجهل و

ابوسفیان - مشاهده می کنیم. همیشه و در همه جا، گروهی خود را بر دیگران تحمیل نموده و به استضعاف آنها پرداخته اند. آیا این جدال را پایانی هست؟ آیا بشریت سرانجام از این مهلکه عظیم نجات خواهد یافت؟ و آیا جامعه انسانی چهره سعادت و مواسات و مساوات را خواهد دید؟ آیا می توان به آینده امیدی داشت؟ یا اینکه باید بسان

[صفحه ۶]

حشره ای گم کرده راه، همچنان در تارهای تنیده از مشکلات مادی و هواهای نفسانی خویش دست و پا کند و سرانجام به زندگانی ننگین خویش پایان بخشد؟ متفکران شرق و غرب به این پرسش پاسخهای گوناگون داده اند، گروهی آن چنان به

در مرداب یاس و ناامیدی فرورفته اند که دیگر توان حرکتشان نیست، و برخی به جای پرداختن به جامعه خویش، گوشه نشینی و درویش مسلکی را به عنوان آخرین پناهگاه برگزیده اند. در این میان اندیشمندان ژرف نگر به آینده ای روشن تر و به ساختن جهانی برتر فکر می کنند، و این راهی است که از دیر باز برای انسانها مطرح بوده است. طرح مدینه فاضله توسط افلاطون، سرزمین الدورادور به وسیله ولتر، و شهر آفتاب از سوی توماس کامپانلا، همه نشانه ای است از این نگرش و توقع نسبت به آینده بشریت. پیام آوران الهی همواره امت خویش را به پایانی روشن و ایده آل بشارت داده اند، بشارت بر اینکه سر انجام پیروزی از آن مستضعفین است و بس. و این وعده الهی است که: و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین. و ما چنین اراده کرده ایم که بر ناتوان شدگان زمین منت گذاریم و آنها را پیشوا و وارثان (راستین) آن قرار دهیم. در سیستم اندیشه اسلامی انجام این مهم، بر عهده

[صفحه ۷]

آخرین جانشین رسول اکرم (ص)، بازمانده خدا بر روی زمین، بر پا دارنده حکومت واحد جهانی، امام زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - گذارده شده است. پیروزی نهایی به دست قدرتمند او، و نجات مستضعفین به بازوی توانای آن حضرت می باشد. در دوران غیبت امام، شیعه - این رهروی خستگی نا پذیر تاریخ - با آزمایشی سخت و دشوار، ما سازنده و انگیزنده درگیر است. از یک سو، به جهت عدم شایستگی جامعه، از دیدار

امامش محرم است، و از دیگر سو، در رابطه با باورداشت این رهبر الهی، وظایفی بس سنگین بر دوش دارد. انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) - این حماسه پر شور تشیع - در راس این وظایف قرار گرفته، و منتظران حقیقی در نمایاندن انتظار راستین خود، تکالیف فراوانی را باید به انجام رسانند.

از جمله کسانی که در ارائه این راه به مردم مشتاق کمر همت بسته، مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (معروف به احمد آباد) است. وی به سال ۱۳۰۱ ه. ق. در اصفهان متولد شد و در سال ۱۳۴۸ ه. ق. یعنی در سن ۴۷ سالگی در گذشت. در دوران عمر کوتاه و پر برکتش حدود ۱۷ کتاب و رساله نگاشت، که از آن میان کتاب پر ارج مکیال المکارم درباره حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - می باشد و نیز سه رساله به فارسی با نامهای:

۱ - وظیفه الانام فی زمن غیبه الامام علیه السلام

[صفحه ۸]

۲ - نور الابصار فی فضیله الانتظار

۳ - کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام

سیری اجمالی در آن کتاب و این سه رساله، موجی از عشق و محبت راستین حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - را در نظر خواننده مجسم می سازد، عشقی فراوان که از ایمانی راسخ سرچشمه گرفته و گویا به وصال محبوب نیز انجامیده است. انگیزه نگارش کتاب ارزشمند مکیال المکارم یکی از نمونه های آن محبت متقابل است، که در عالم رویا به ملاقات آن حضرت نایل شده و دستور نوشتن کتاب را از حضرتش شنوده است که: این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او

را - بگذار مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم. محقق فرزانه حضرت حجت الاسلام آقای صافی گلپایگانی (گرد آورنده کتاب شریف منتخب الاثر و بسیاری نوشته های سودمند دیگر) در مقدمه جلد دوم کتاب مکیال مکارم می نویسد: الكتاب الذی یعرب عن طول باع مولفه وسعه تتبعه و تفکیره، لم نعرف له نظیرا فی بابہ، و لم نطلع فی ما کتب حول المهدویه علی کتاب مفرد آداب الدعاء للمهدی (ع) و فوائدہ غیر هذا الكتاب... این کتاب گویای حوصله فراوان مولف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست. در موضوع خود بی نظیر است و جز این، کتابی که در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی (ع) و فواید آن باشد، سراغ نداریم...

[صفحه ۹]

در جهت آشنایی بیشتر با شخصیت این بزرگ، بهتر است که به نقل مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی - محقق اندیشمند و کم نظیر قرن اخیر - اکتفا کنیم که درباره اش نوشت: عالم فاضل و خطیب بارع... کان من العلماء الاعلام القائمين بالوظائف الشرعیه و امامه الجماعه و الوعظ و غیرها. (او) دانشمندی فاضل و گوینده ای نیکو... و از دانشمندان برجسته ای بود که مسئولیتهای دینی و پیشوایی جماعت و پند و موعظه (مردم) را به انجام می رساند. از نوشته های آن مرحوم درباره حضرت ولی عصر علیه السلام، کتاب مکیال المکارم در سال ۱۳۹۸ ه. ق - (قم. مطبعه العلمیه) تجدید چاپ شده، و رساله وظیفه الانام فی زمن غیبه الامام نیز توسط حسینیه عماد زاده اصفهان به چاپ رسیده است. آنچه در اینجا مطالعه می کنید دو رساله دیگر یعنی نور البصار فی فضیله

الانتظار و كثر الغنائم فى فوائد الدعاء للقائم عليه السلام مى باشد.

در نیمه شعبان ۱۳۹۷ نمایشگاهی از کتب ویژه حضرت مهدی (ع) با نام روزنی بسوی نور در تهران تشکیل گردید و ۳۱۳ جلد کتاب به نمایش گذارده شد، در سال ۱۳۹۸ با تعدادی فزونتر در مشهد و در نیمه شعبان ۱۳۹۹ در تهران (موزه نگارستان) با بیش از ۵۰۰ کتاب تکرار گردید. این نمایشگاهها از سوی مقامات علمی و روحانی، اساتید محترم و اندیشمندان اسلامی مورد استقبال و تشویق

[صفحه ۱۰]

فراوان قرار گرفت. انجام این امر برای پژوهشگران و علاقمندان، انگیزه ای بود که به احیای این آثار ارزشمند دست یازند و کوششی فزونتر در این مسیر بکار گیرند. به عنوان نمونه می توان از دو اثر ارزنده کتاب الغیبه (تالیف شیخ نعمانی) و البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان (تالیف متقی هندی) نام برد که به همت والای دانشمند معظم جناب آقای علی اکبر غفاری تصحیح و تجدید چاپ شدند. انگیزه گزینش و تجدید چاپ این دو رساله نیز همان بود، به علاوه که این دو رساله چنان کمیاب است که حتی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آسان قدس رضوی (مشهد)، و نیز کتابخانه مجلس شورا (تهران) یافت نشد، و این خود تاییدی دیگر بر ضرورت انجام این مهم بود. به هر حال نسخه عکسبرداری شده کتاب را از طریق همان نمایشگاه و نسخه اصلی را از کتابخانه شخصی حجت الاسلام جناب آقای شریعت پناه تهیه کردیم. بدین وسیله از الطاف و محبت های ایشان و مسئولین نمایشگاه صمیمانه سپاسگزاری می نمایم. در پایان، ضمن پوزش از کمبودها،

ثواب و فضیلت انتظار

در بیان جمله ای از اخبار وارده در ثواب و فضیلت انتظار، به نحو اختصار. در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هر کس از شماها بمیرد با ایمان در حالی که منتظر باشد مثل کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام در خدمت آن جناب باشد. و در حدیث دیگر از پدران خود از حضرت امیرالمومنین علیه السلام روایت فرموده که فرمودند: هر کس انتظار فرج ما را داشته باشد مانند کسی است که در راه خدا در خون خودش غلطیده باشد. و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود: خوشا به حال شیعیان قائم ما، که انتظار ظهور او را داشته باشند در زمان غائب بودن او، و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او، ایشانند اولیاء خدا که ترس و حزنی نیست بر آنها در روز جزاء. و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که:

افضل عبادت ها انتظار فرج داشتن است. و در بحار از عبدالحمید واسطی منقول است که گفت: به حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفتم که: ما دست از بازارها و کسب های خود برداشته ایم، به جهت انتظار این امر، به نحوی که بعضی از ما نزدیک است سائل به کف شود. فرمود: ای عبدالحمید آیا گمان می کنی کسی که در راه خدا چنین کند، خداوند فرج و گشایش به او ندهد؟ خدا رحمت کند بنده ای را که خودش را

برای یاری ما نگاه می دارد، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را احیاء می کند. گفتم: اگر به حال انتظار بمیرم پیش از ظهور قائم شما، چه ثواب دارم؟ فرمود: هر کس از شماها که در حال انتظار حضرت قائم از دنیا برود، و عزم یاری کردن او را داشته باشد در زمان ظهورش، مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده باشد و شهید شده باشد. و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرمودند: انتظار فرج داشتن، از افضل اعمال است. و در احتجاج از آن حضرت روایت است که به ابی خالد کابلی فرمودند که: طولانی می شود زمان غائب بودن ولی خدا - که دوازدهمین از اوصیاء حضرت رسول صلی الله علیه

[صفحه ۱۷]

و آله و سلم و ائمه بعد از آن جناب است - ای ابا خالد، بدرستی که آن مومنانی که در زمان غائب بودن او می باشند و اعتقاد و یقین به امامت او دارند و انتظار زمان ظهور او را می کشند، بهتر اند از اهل هر زمانی، زیرا که خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و هوشی به آنها عطا فرموده که غائب بودن امامشان با حضور او نزد آنها یکسان است، و قرار داده آنها را در آن زمان به منزله کسانی که جهاد نمودند در خدمت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - با کفار به شمشیر. ایشانند مومنین خالص و شیعیان ما به حقیقت و راستی، و دعوت کنندگان بسوی دین خدا عز و جل، به آشکار و نهان. و در خبر

دیگر است که فرمود: هر مومنی که ثابت بماند بر ولایت ما، در زمان غائب بودن قائم ما، عطاء می فرماید حق تعالی به او ثواب هزار شهید را، که مثل شهدای بدر و احد باشند. مولف گوید که چون باقی بودن بر حال انتظار لازمه ثبوت ولایت و علامات آن است، می توان این ثواب را برای آن اثبات نمود. و در کمال الدین از صقر بن ابی دلف روایت است که گفت شنیدم از حضرت امام محمد تقی علیه السلام که فرمود: امام بعد از من پسر من علی است، امر او امر من است و گفتار او گفتار من است، و اطاعت او اطاعت

[صفحه ۱۸]

من. و امام بعد از او پسر او حسن است، امر او امر پدرش علی است و قول او قول پدر اوست و طاعت او طاعت پدر او. آنگاه ساکت شدند. گفتم: یابن رسول الله پس کیست امام بعد از امام حسن عسکری؟ حضرت گریه شدیدی نمودند، آنگاه فرمودند: بدرستی که امام بعد از امام حسن عسکری پسر اوست، که قائم بحق و منتظر است. گفتم: یابن رسول الله (ص) چرا او را قائم می نامند؟ فرمودند: برای آنکه قیام می فرماید بعد از اینکه نام او از میان رفته باشد و بیشتر قائلین به امامت او از دین برگردند. (یعنی به جهت طول غیبت او) گفتم: چرا او را منتظر نامند؟ فرمود: به جهت آنکه از برای او غائب شدنی اتفاق می افتد که بسیار می شود روزگاران و طول می کشد زمان آن پس مومنین خالص به انتظار او باقی می مانند و شک کنندگان او

را انکار می کنند و انکار کنندگان به ذکرا و استهزاء می نمایند و کسانی که وقت برای ظهورش معین می کنند دروغگو می باشند و کسانی که عجله می کنند هلاک می شوند (یعنی از دین بر می گردند) و کسانی که فرمان بردار ائمه خود هستند (یعنی چون و چرا نمی کنند و به دستور العمل امامان دین رفتار می کنند) نجات می یابند. مولف می گوید که مراد از عجله ای را که باعث هلاکت

[صفحه ۱۹]

می شود، در مقدمه کتاب کنز الغنائم بیان نموده ام. و از حضرت امیر علیه السلام مروی است که فرمودند: منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نباشید، بدرستی که پسندیده ترین اعمال بسوی حق تعالی انتظار فرج است. و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد، در حالتی که انتظار ظهور امام زمان علیهم السلام را داشته باشد، مانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه آن حضرت باشد. آنگاه اندکی ساکت شد، بعد فرمود: بلکه مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند. بعد فرمود: نه و الله، بلکه مانند کسی است که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله شهید شده باشد. حقیر گوید: در این حدیث سه درجه از ثواب را تدریجا ذکر فرموده اند که از برای منتظرین ظهور حضرت قائم هست. و در بحار از حضرت امیرالمومنین علیه السلام حدیثی روایت شده که خلاصه اش این است که: حق تعالی به کسانی که در زمان غائب بودن امام، انتظار ظهور او را دارند، و دین خود را محکم نگاه

می دارند، عطا فرماید آن ثواب های واقعی کامل را، که به آزادی عمل نمودند بر طبق احکام واقعی و عبادات صحیحه قرار داده، اگر چه آنها به سبب غائب بودن آن حضرت، دسترسی به فهمیدن حکم های واقعی و عبادات حقیقی نداشته باشند، (یعنی به

[صفحه ۲۰]

ازای اعمال و عبادات ظاهریه که مطابق تکلیف فعلی خود بجا می آورند، اجر و ثواب اعمال و عبادات کامله حقیقه را مرحمت می فرماید، به واسطه فضیلت انتظار داشتن از برای ظهور امام علیه السلام و اخذ واقعیات احکام). و در نجم ثاقب از غیبت شیخ طوسی (رحمه الله علیه) از مفضل روایت است که گفت: ذکر نمودیم قائم علیه السلام را، و کسی که مرد از اصحاب ما، که انتظار او را می کشید. پس حضرت صادق علیه السلام فرمود به ما که: چون حضرت قائم علیه السلام خروج کند کسی بر سر قبر مومن می آید، پس به او می گوید که ای فلان، بدرستی که ظاهر شد صاحب تو، پس اگر خواهی که ملحت شود و اگر می خواهی که اقامت کنی در نعمت پروردگار خود پس اقامت داشته باش. مولف گوید از این حدیث ظاهر می شود که این مطلب که زنده شدن در زمان ظهور آن بزرگوار باشد، یکی از جمله فوائد انتظار است، چنانچه این فائده در دعای برای آن حضرت نیز وارد شده. و از ابی حمزه روایت است که گفت به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، پیر و بی قوه شده ام و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم.

فرمودند: ای ابا حمزه، هر کسی که ایمان بیاورد به ما و تصدیق کند حدیث ما را و منتظر زمان فرج ما باشد، مثل کسی می ماند که در زیر علم حضرت قائم علیه السلام

[صفحه ۲۱]

شهید شده باشد، بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله شهید شده باشد. و در حدیث دیگر از آن حضرت مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد در حالتی که انتظار فرج را داشته باشد افضل است نزد حق تعالی از بسیاری از شهیدان بدر و احد. و در برهان از مسعده روایت شده که گفت: در محضر مبارک حضرت صادق علیه السلام بودم که پیرمرد منحنی وارد شد، در حالتی که به عصای خود تکیه نموده بود. پس سلام کرد و حضرت جواب سلامش را دادند. آنگاه عرض کرد: یا ابن رسول الله (ص) دست خود را بدهید من ببوسم. حضرت دست خود را دادند و بوسید. آنگاه شروع کرد به گریه کردن. حضرت فرمودند: ای شیخ چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: فدایت شوم، بقدر صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته، هر ماهی نو می شود، می گویم در این ماه ظاهر می شود، و هر سالی تازه می شود، می گویم در این سال واقع می شود. اکنون پیر و ناتوان شده ام و اجلم فرا رسیده و هنوز به مراد دل خود نرسیده ام و ظهور فرج شما را ندیده ام. [۱].

پس چرا گریه نکنم و حال آنکه، بعض شما را پراکنده در اطراف زمین، و بعضی را کشته به ظلم اعدای

[صفحه

دین می بینم. پس حضرت صادق علیه السلام گریان شدند و فرمودند که: ای شیخ، اگر زنده ماندی تا زمانی که بینی قائم ما را، می باشی در مقام رفیع بسیار عالی، و اگر پیش از ظهور حضرت او در انتظارش مردی، پس در روز قیامت در زمره آل محمد صلوات الله علیهم محشور خواهد شد، و آنها مائیم که امر به تمسک به ما نموده، در آنجا که فرمود: انی مخلف فیکم الثقلین فتمسکوا بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی. یعنی بدرستی که من دو چیز بزرگ عالی مقام در میان شما می گذارم، پس متوسل به آنها بشوید تا هیچ وقت گمراه نگردید، یکی کتاب خدا قرآن، و دیگری عترت من که اهل بیت منند. آن پیرمرد چون این بشارت عظمی را شنید، جزع و گریه اش ساکن گردید و گفت: مرا با وجود این بشارت باکی از مرگ نیست. آن گاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ای شیخ، بدان که قائم ما بیرون می آید از صلب حضرت امام حسن عسکری، و امام حسن عسکری بیرون می آید از صلب امام علی النقی، و علی بیرون می آید از صلب امام محمد تقی، و محمد بیرون می آید از صلب حضرت علی بن موسی، و علی بیرون می آید از صلب حضرت موسی که پسر من است و او از صلب من خارج گردیده، ما دوازده نفریم که تمام ما معصوم و پاکیزه از هر گناه و کثافتی می باشیم.

[صفحه ۲۳]

تنبيه (یاد آوری): اختلافی که در ثواب انتظار در بعض اخبار مشاهده می شود، به اعتبار اختلاف منتظرین است

در درجات معرفت و تقوی و انتظار، البته هر کس اکمل است ثوابش هم اکمل است.

[صفحه ۲۴]

پاورقی

[۱] لمولفه:

گذشت عمر من اندر فراغ یار دریغ

ز هجر غرقه خون شد دل فکار دریغ

شد از فراقش روزم سیاه چون شب تار

گذشت عمرو به مردم در انتظار دریغ

واجب بودن انتظار

در بیان واجب بودن انتظار ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و شرط بودن او در قبول اعمال. در اصول کافی از اسمعیل جعفی روایت است که گفت: شخصی وارد شد بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و با او صحیفه ای بود، حضرت به او فرمودند: این صحیفه مخاصم است که سؤال نمود از آن دینی که بواسطه آن اعمال انسان به درجه قبول می رسد؟ عرض کرد: بلی، خدا شما را رحمت کند، مراد من همین است. حضرت فرمود: آن دینی که به سبب آن اعمال قبول می شود این است: شهادت به یگانگی خدا و اینکه شریک ندارد، و شهادت به رسالت خاتم انبیاء محمد صلی الله علیه و آله، و اقرار به حقیقت تمام آنچه خبر داده از جانب حضرت حق تعالی، و دوستی با ما اهل بیت، و بیزاری از دشمنان ما، و فرمان بردار بودن از برای امر ما، و پرهیزگاری از گناهان، و تواضع

[صفحه ۲۵]

و انتظار داشتن از برای ظهور قائم ما، بدرستی که از برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد آن را ظاهر می گرداند. و در غیبت شیخ نعمانی از ابی بصیر روایت است که: روزی حضرت صادق علیه السلام فرمودند: می خواهید شما ها را خبر بدهم به آن چیزی که حق تعالی با نبودن

آن هیچ عملی را از بندگان قبول نمی فرماید. گفتم: بلی. فرمود: آن شهادت به یگانگی خدا است، و آن که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده او و پیغمبر اوست، اقرار به آنچه خدا امر فرموده به آن، و دوستی از برای ما، و بیزاری از دشمنان ما (یعنی دشمنان ائمه)، و فرمان بردار بودن از برای ائمه اطهار علیهم السلام، و پرهیزگاری از گناهان، و کوشش نمودن در اطاعت خدا (یعنی در ادای واجبات شرعیه). و یقین داشته (یعنی در امر اصول دین و حقیقت امر ائمه طاهرین)، و انتظار داشتن از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام. آن گاه فرمودند که: از برای ما دولتی هست که ظاهر می گرداند آن را حق تعالی هر وقت که بخواهد. و در کمال الدین از حضرت عبدالعظیم روایت است که فرمود: وارد شدم به محضر سید خود حضرت امام محمد تقی علیه السلام، و قصد داشتم که سؤال نمایم از آن جناب از قائم که همان است مهدی یا غیر اوست. پس حضرت پیش از

[صفحه ۲۶]

سؤال کردن من به اعجاز فرمودند: ای ابا القاسم، بدرستی که قائم از ما همان مهدی است، که واجب است انتظار او را داشتن در زمان غائب بودن او، و واجب است اطاعت و پیروی او در زمان ظهور او، و او سومی از اولاد من است. و شیخ صدوق در کمال الدین به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت فرموده که فرمود: نزدیک ترین حالات بندگان خدا به خدا، که در آن حال از آنها خشنود تر از هر زمانی است، آن وقتی است

که امام آنها غائب و از نظر آنها پنهان می باشد و مکان او را نمی دانند، و با وجود این یقین دارند که حجت الهیه موجود است. پس در آن زمان باید هر صبح و شام منتظر فرج باشند. مولف گوید: هر صبح و شام کنایه است از استمرار رو دوام یعنی در هیچ حالی و در هیچ وقتی و در هیچ ماه و سالی نباید مایوس از ظهور امام علیه السلام باشد، بلکه هر چه غیبت آن حضرت طولانی تر می شود باید امیدشان بوجود مبارک او محکم تر و ثابت تر بشود، زیرا که خود این طول غیبت از امور غیبیه ئی است که ائمه ما علیهم السلام پیش از وقوع آن خبر داده اند.

هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند

آن دگر امید مرا بیشتر کند

نوعی اثر نموده به قلبم جدائیت

کاندر رگی ضعیف اثر نیشتر کند

[صفحه ۲۷]

معنای انتظار

در بیان معنی انتظار و مقدر واجب از آن به نحو اختصار. بدان که: اصل انتظار امری است قلبی که ظاهر و منبعث می شود از آن امور بدنیه بسیار، که متفاوت است به حسب تفاوت درجات انتظار. اما قدر واجب از انتظار قلبی از برای ظهور آن بزرگوار، بر حسب آنچه ظاهر می شود از اخبار، این است که مومن باید یقین داشته باشد به اینکه حضرت قائم علیه السلام، که امام دوازدهم است و فرزند صلیبی بلا واسطه حضرت امام حسن عسکری است، از روزی که متولد شده تا کنون زنده است، و به همین بدن عنصری باقی است، و در همین عالم است و نمرده است و نخواهد مرد تا اینکه

ظاهر شود به همین بدن، و در همین عالم سلطنت کند، و عالم را پر از عدل نماید و دین اسلام را در تمام عالم رواج دهد، و ظهور را و وقت معینی ندارد که خلائق بدانند، بلکه احتمال دارد در همین سال واقع شود، و احتمال دارد سالهای بسیار دیگر تاخیر بیفتد. و باید مومن در هیچ حالی از حالها و هیچ سالی از سالها

[صفحه ۲۸]

ناامید نباشد از وقوع ظهور آن جناب، بلکه باید همیشه اوقات و تمامی سنوات امیدوار به ظهور موفور السرور آن بزرگوار باشد. پس اینکه بعضی از نادانها به حسب خیالات و حدسیات می گویند حالاها امام ظاهر نمی شود، یا تا صد سال دیگر هم مثلا- ظاهر نمی شود، خطاء و اشتباه است و خلاف دستور العمل منقول از ائمه اطهار است، بلکه در اخبار متعدده تصریح فرموده اند که ظهور آن حضرت بغته واقع می شود، و علامات حتمیه ظهور مثل خروج سفیانی و صیحه آسمانی و قتل نفس زکیه همه در یک سال نزدیک بهم واقع می شود، چنانچه مشروحا در مکیال المکارم ذکر نموده ام با شواهد دیگر، پس ممکن است که در همین سال ظهور واقع شود، و ممکن است که سالهای بسیار دیگر هم تاخیر بیفتد، و مومن نباید هیچ وقت ناامید باشد. و همچنین جزم و حکم به اینکه تا فلان وقت یا فلان سال ظهور واقع می شود، آن هم خطاء و اشتباه است، بلکه در روایات متعدده معتبره امر فرموده اند که هر کس تعیین وقت نماید از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام او را تکذیب نمائید، زیرا که علم

به آن مخصوص به خداوند عالمیان جل شانه است.

انتظار واجب بدنی

و اما قدر واجب از انتظار بدنی که منبعث از آن انتظار قلبی می شود، این است که مومن از معاصی و گناهان اجتناب نماید، و صفات بد را از خود دور نماید، تا اینکه

[صفحه ۲۹]

اگر درک نمود زمان ظهور آن حضرت را، مورد مرحمت و احسان آن جناب باشد، و آن حضرت از او خوشنود باشند نه دل آزرده. چنانچه در روایت ابی بصیر است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس دوست می دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد، باید انتظار ظهور آن حضرت را داشته باشد، و عمل او بر طبق ورع و پرهیزگاری باشد، و خود را به صفات خوب و اخلاق حمیده متصف نماید، در حالتی که منتظر ظهور آن حضرت است. پس چنین کسی اگر از دنیا برود و ظهور حضرت قائم علیه السلام بعد از او واقع شود، ثواب کسی را دارد که درک فیض حضور آن جناب را نموده باشد و از یاران و اصحاب او باشد. پس سعی کنید در پرهیزگاری و طاعت، و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام باشید. و در توقیع مروی از آن جناب در بحار و احتجاج می فرماید که: باید هر یک از شماها کاری بکنند و نوعی رفتار نماید که به محبت ما نزدیک شود، و احتراز کند و پرهیز نماید از عملی که او را به غضب ما نزدیک می کند. الخ.

انتظار قلبی کامل

و اما انتظار قلبی کامل، پس به این حاصل می شود که شخص مومن در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکانها از یاد امامش

مبارکش خالی و فارغ نباشد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می شود و با اهل عالم گفتگو می کند، قلبش پیش امام علیه السلام باشد، و به انتظار او و خیال او و شوق وصال او باشد. مثل شخصی که اولادش منحصر باشد بیک نفر، و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسته باشد، و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد، و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد، تصور کن، آیا یک ساعت از خیال او بیرون می رود، یا آنکه از جستجوی او تغافل می کند؟ حاشا و کلا، بلکه شب و روز، بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکنت، محبوب او پیش نظر او مثل است، چنانچه شاعر گفته: ای غایب از دو دیده چنان در دل منی کز لب گشودنت به من آواز می رسد و چون مومن محبتش به امام زمان علیهم السلام به این درجه رسید ایمانش کامل می شود، چنانچه در حدیث نبوی در دار السلام و غیره مروی است که فرمودند: مومن ایمانش کامل نمی شود مگر وقتی که من در نزد او از خودش عزیزتر باشم، و اولاد من در نزد او از اولاد خودش عزیزتر باشد، و اهل من نزد او عزیزتر از اهل خودش باشند، و امور متعلقه به من نزد او اهم از امور متعلقه به خود او باشد. و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال رسید، آثار ظاهریه او هم به درجه کمال

درجه کامل انتظار

در بیان علامات و آثار درجه کامله انتظار به نحو اختصار.

و آن دوازده چیز است:

اول: آن که شخص منتظر دائما محزون و غمگین است در زمان فراق محبوب خود، چنانچه از حضرت رضا علیه السلام در وصف حال مومنین در زمان غایب بودن امام زمان علیهم السلام روایت شده، و علاوه بر این، جهات دیگر هم از برای مغموم بودن مومن در زمان غیبت موجود است، مثل ضعف اهل اسلام و غلبه معاندین و مخفی بودن احکام واقعیه و خارج بودن سلطنت ظاهریه از دست امام زمان علیهم السلام و غیر اینها، که تمامش انشاء الله رفع می شود به ظهور آن حضرت (عجل الله فرجه).

دوم: گریان بودن در انتظار آن حضرت، چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده.

سوم: همیشه به یاد آن حضرت بودن و آنی خود را از ذکر و فکر او فارغ نگذاشتن.

چهارم: از اهل دنیا کناره کردن و ترک معاشرت، مگر بقدر حاجت و ضرورت.

پنجم: در غالب اوقات و مظان اجابت به آن جناب دعا کردن و طلب فرج و ظهورش را از حق تعالی نمودن.

ششم: مومنین را ترغیب و تحریص نمودن به این دعا و التماس آن را از ایشان نمودن. بلکه شخص منتظر حقیقی، به هر وسیله ای که احتمال بدهد نزدیک شدن وصال محبوب خود را، البته در تحصیل آن سعی و اقدام می نماید.

هفتم: آن که هر چه غایب بودن او طولانی تر می شود، شوق شخص منتظر شدیدتر و زیادتر می شود.

هشتم: آن که در انتظار محبوب خود صبر بر شدت ها و سختیها نماید، و آنها را در جنب این

امر بزرگ سهل و سبک شمارد. در خرایج از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که به اصحاب خود فرمود: می آیند گروهی بعد از شما که هر یک نفر از آنها ثوابش معادل ثواب پنجاه نفر از شما است. گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، ما با شما بودیم در جنگ بدر و احد، و قرآن در تعریف ما نازل شد. فرمودند که: شما به مشقت هایی که آنها مبتلا می شوند مبتلی نشدید، و به اندازه ای که آنها صبر می کنند، صبر ننمودید. مولف گوید که: از برای مومن هیچ ابتلاء و شدتی عظیم تر از مفارقت و غایب بودن امام او نیست، و از همین جهت است افضلیت مومنین این زمان از مومنین زمانهای قبل.

نهم: آن که همین که شخص منتظر به حد کمال رسید، شدائد

[صفحه ۲۳۳]

و سختی هایی که در انتظار بر او وارد می شود، از آنها لذت می برد، و به سبب آن شوقی که به لقای محبوب دارد احساس به آن المها نمی کند:

لذت دیواندگی در سنگ طفلان خوردن است

حیف از آن اوقات مجنون را که در هامون گذشت

دهم: آن که چون انتظار و مقام محبت شدید، خواب و خوراک شخص کم می شود، بلکه کار به جایی می رسد که التفات به هیچ چیز را مورد راجعه به خود نمی کند، و از خود بی خود می شود، چنانچه این حال از برای ائمه ما علیهم السلام در حال نماز اتفاق می افتاد.

یازدهم: آن که چون انتظار کامل شد، شخص از هیچ چیز دنیا لذت نمی برد، بلکه لذت او

منحصر است فقط در ذکر محبوب و معشوقی که دارد. شیخ سعدی:

گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی

چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید

و بسط کلام در هر یک از این مقامات منافی با اختصار است.

دوازدهم: از علامات انتظار، مهیا بودن از برای ورود محبوب است، و مهیا بودن از برای ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام. که به چند چیز حاصل می شود:

اول: عزم حقیقی بر یاری و متابعه آن جناب.

دوم: اینکه شخص خود را به صفات نیکو متصف نماید، و صفات ذمیمه که مبعوض اوست از خود دور نماید. آئینه شو جمال پری طلعتان طلب جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

[صفحه ۳۴]

سوم: مواظبت در طاعات و عبادات واجبه و مستحبه و ترک محرمات و مکروهات شرعیه.

چهارم: مهیا نمودن اسلحه.

پنجم: مرابطه، به نحوی که در کتاب وظیفه الانام ذکر نموده ام.

ششم: مواظبت در خواندن دعای عهد نامه کوچک و بزرگ که در وظیفه الانام نقل نموده ام و در کتاب زاد المعاد هم مذکور است. تمام شد کتاب نور الابصار فی فضیله الانتظار.

[صفحه ۳۷]

انواع انتظار

بدان که در جمله ای از اخبار مرویه از ائمه اطهار (ع) نهی شده است از تعجیل نمودن در امر ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام، و فرموده اند که عجله کردن در این مطلب سبب هلاک شخص می شود (مراد از هلاک کفر و خروج از ایمان است که سبب هلاکت می شود)، و این روایات منافاتی ندارد با اخبار متعدده که امر فرموده اند به طلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان از خداوند عالمیان جل شانہ. و بیان مختصر نزدیک به

فهم عوام در تحقیق این مقام این است که: عجله ای که مذمت آن در اخبار وارد شده و موجب هلاک انسان و ضرر و خسران او می شود در امر ظهور آن حضرت، بر سه قسم است:

اول: عجله ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود، یعنی به جهت کم طاقتی و کم صبری تعجیل کند و بگوید: اگر شدنی بود تا حال باید شده باشد. و این حرف آخر کار (نعوذ بالله) راجع می شود به انکار ظهور قائم منتظر علیه السلام.

[صفحه ۴۱]

دوم: عجله ای که منافی با تسلیم و رضای به امر خداوند جل شانہ باشد، که بگوید: چرا ظاهر نمی شود و برای کی گذاشته؟ و برگشت این اعتراض بر خداوند عز و جل است، و چنین کسی تابع شیطان است که ایراد به خدا گرفت، بلکه باید شخص دعاء بکند و اگر هم حق تعالی تاخیر در اجابت فرمود، آن را مطابق حکمت بداند. سوم: عجله کردن که سبب متابعت و پیروی نمودن مدعیان کذب و داعیان باطل شود. چون تعجیل دارد و کم طاقت است، پیش از ظاهر شدن علامتهای حتمیه و آثار مرویه از ائمه (ع) به مدعیان باطل اعتماد می کند و به محض خیال و شبهه و تاویل، ارادت به شیطانهای بصورت انسان پیدا می کند، به امید آن که موعود منتظر باشد، چنانچه بسیاری مردم به این سبب هلاک شدند (یعنی از دین برگشتند)، با وجود آن که از برای امام علیه السلام علامتهای مخصوصه قطعیه هست مطابق عقل و نقل، که تا آنها در او یافت نشود نباید اعتماد نمود: یکی

آن که باید هیچ وقت از او معصیتی صادر نشده باشد، دیگر آن که به شخصه و نسبه معروف باشد، دیگر آن که عالم به جمع احکام الهیه و جمیع لغات باشد، و در هیچ مسئله عاجز نشود، و محتاج به پرسیدن از غیر و دیدن در کتاب نباشد، دیگر آن که معجزه از او صادر شود، یعنی کاری که از هیچ کس مثل آن صادر نشود، مثل تکلم کردن درختها و حیوانات با او و زنده شدن مرده به دعای او و نسوزانیدن آتش بدن او را و امثال اینها، که مکرر از ائمه اطهار صادر می شد، و اگر چنین نباشد با دیگران فرقی ندارد.

[صفحه ۴۲]

و در غیبت نعمانی [۱] از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمودند: هر گاه کسی ادعای قائم بودن کرد، از او بطلبید امور عظیمه ای را که غیر امام کسی از عهده آنها بر نمی آید. و دیگر آن که مبین احکام دین خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم باشد، نه آن که چیزی از پیش خود جعل و اختراع نماید. و غیر اینها از اموری که در این مختصر گنجایش ندارد. و از برای وجود مبارک امام زمان ما عجل الله تعالی فرجه و ظهور را و بخصوص علامتها و خصوصیت های چندی تعیین شده، که برای هیچ کس پنهان نماند و اسباب شبهه نشود، و جمیع عالمیان با اختلاف زبانها بر آن مطلع شوند. و این عاصی بعضی از آنها را در کتاب وظیفه الانام ضبط نموده ام، و علمای سابقین مانند شیخ نعمانی و صدوق و مجلسی و غیر اینها

رحمهم الله تعالى در کتابهای خود جمع فرموده اند.

در خانه اگر کس است

یک حرف بس است

[صفحه ۴۳]

پاورقی

[۱] نام مبارکش محمد بن ابراهیم، شاگرد شیخ کلینی (ره) بوده، بسیار جلیل القدر و کتاب او در نهایت اعتبار است. این حدیث را کلینی نیز در اصول کافی به اندک تفاوتی روایت فرموده.

ادای حق مؤمن

بدان که در کتاب اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: عبادت کرده نشده است خداوند عالم جل شانہ به چیزی که افضل باشد از اداء نمودن حق مؤمن. و در احتجاج از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس معرفتش به حقوق اخوان مؤمنین بیشتر است و ادای حقوق آنها را نیکوتر می کند، شان او نزد حق تعالی عظیم تر است. چون دانستی این مطلب را پس بدان که در جمیع اهل عالم هیچ کس حقوقش بر تو بیشتر نیست از امام زمان تو علیه السلام، که به مقتضای احادیث کثیره قطعیه، هستی تو و بقای تو و سکون و آرام تو در این عالم، و تمام نعمت هائی که به تو می رسد، و روزی بی که می خوری و آبی که می آشامی، به برکت وجود مبارک است، و آنچه هست از منافع ذات مقدس اوست، مانند آفتاب وقتی که زیر ابر پنهان باشد هر چند دیده نمی شود لکن تمام عالم از نور او روشن است و

[صفحه ۴۴]

فوائد او به همه چیز می رسد: [۱].

اگر نبودن زمین وجود اقدس او

پا نبود نه ارض و سماء نه ماه و نه سال

و این عاصی جمله ای از حقوق آن

جناب را با دلیل و برهان در باب سوم مکیال المکارم ذکر نموده ام. و اعظم تمام حقوق حق امام علیه السلام بر رعیت است، چنانچه در روضه کافی حضرت امیرالمومنین علیه السلام مروی است که فرمودند: بزرگترین حق هائی که حق تعالی واجب فرموده است حق والی است (یعنی امام بر رعیت). و چون این مطلب واضح شد، بدان که ما هر قدر سعی کنیم نمی توانیم حق آن حضرت را چنانچه باید و شاید اداء کنیم، پس باید از آنچه می توانیم کوتاهی ننمائیم، زیرا که در روز قیامت به مقتضای آیات و روایات، این مطلب از جمله اموری است که از هر کسی پرسش و مواخذه خواهد شد. چنانچه در تفسیر آیه شریفه ثم لتسئلن یومئذ عن النعم و غیرها روایت شده. و طریق اداء نمودن حق آن حضرت اهتمام در اطاعت و فرمانبرداری اوست بعد از معرفت به او صلوات الله علیه، زیرا که او صاحب امر است بر ما و حق تعالی فرموده: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول

[صفحه ۴۵]

و اولی الامر منکم. یعنی: ای مومن ها فرمانبرداری نمائید خدا را، و فرمانبرداری نمائید پیغمبر او را، و فرمانبرداری نمائید صاحبان امر ز خود را. که مقصود وجود مبارک امام زمان علیه السلام و یازده نفر آباء طاهرین اویند. و از جمله فرمانهای مطاعه او، که در توقیع شریف مروی در کمال الدین و احتجاج و بحار ذکر شده این است: و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم. یعنی: بسیار دعاء کنید و از حق تعالی سؤال نمائید تعجیل در فرج مرا، زیرا که این

فرج و گشایش کار شماها است. پس باید هر مومنی کمال اهتمام در انجام این فرمایش مطاع داشته باشد، خصوصا به ملاحظه آن که جمیع جهاتی که مقتضی دعاء نمودن در حق کسی می شود، در وجود اقدس آن حضرت جمع است، چنانچه این احقر آنها را مفصلا به ترتیب حروف الفبا در باب چهارم مکیال المکارم جمع نموده ام.

[صفحه ۴۶]

پاورقی

[۱]

هو العلم الهادی باسراق نوره

و ان غاب عن عینی کوقت ظهوره

الم تر ان الشمس ینشر ضوها

اذ هی تحت القزح حین عبوره

تحقیق در امر دعا

چون دانستی که یکی از اقسام ادای حق آن جناب دعای به آن حضرت و سئوال نمودن تعجیل در فرج و ظهور اوست از حق تعالی شانه، بدان که منافاتی نیست در این مطلب با آن که ماها در جمیع امور احتیاج به آن جناب داریم، و آن بزرگوار واسطه در تمام فیوضات است، و بزرگ تر شاهد بر این مدعی، امر فرمودن خود آن حضرت است ما را به این دعاء. و تقریر مطلب را به چند وجه می توان نمود: اول: آن که با وجود آن که حضرت ایشان کامل در تمام صفات و وسیله جمیع فیوضات هستند، لکن به مقتضای بشریت، بعضی اموری که لازمه بشریت است، از قبیل هم و غم و محنت و الم و ابتلاء و مرض، بر ایشان عارض می شود، و حق تعالی برای دفع این امور اسبابی قرار داده که یکی از آنها دعاء است، و لهذا خودشان دعاء می کردند، بلکه دیگران را امر به دعای در حق ایشان می فرمودند. پس ما هم به مقتضای محبت به آن جناب، باید دعای به آن

وجود مبارک را، از اهم امور لازمه خود قرار دهیم، و این اصلا منافاتی با رفعت مقام آنها نداشته و ندارد.

[صفحه ۴۷]

دوم: آن که به مقتضای حدیث مروی در کتاب غیبت شیخ نعمانی (ره) از حضرت امیرالمومنین علیه السلام و توقیع مروی در احتجاج، یک سبب غایب شدن امام زمان ما علیه السلام، کثرت معصیت های ما است. پس چون مانع ظهور آن جناب از جانب ماها است، ماها باید اقدام در رفع مانع بکنیم، به توبه کردن و اهتمام در دعاء و طلب ظهور و فرج برای آن جناب نمودن. سوم: آن که دعاء به منزله هدیه است، و هدیه بردن برای کسی دلیل حاجت آن شخص بزرگ نیست، بلکه علامت احتیاج آن هدیه برنده و محبت اوست به آن شخصی که برای او هدیه می برد. و تفصیل این امور را با بعض وجوه دیگر در باب پنجم مکیال المکارم ذکر نموده ام.

[صفحه ۴۸]

دعای ائمه

پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین علیهم السلام داشته باشد اینکه، چقدر اهتمام در امر دعاء نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مسئلت فرج آن جناب از خداوند عالمیان جل شانته داشته و دارند، و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدعی آگاه شوی، ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در غیبت نعمانی. و دعای حضرت سید الساجدین علیه السلام را در روز عرفه در حیفه و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در جمال الاسبوع، و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز

ظهر مروی در فلاح السائل و بحار، و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در اقبال، و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر مروی در فلاح السائل، و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را مروی در جمال الاسبوع، و دعای امام محمد تقی علیه السلام را مروی در کافی، و دعای امام حسن عسکری علیه السلام مروی در مهج الدعوات و دعای مروی از خود آن جناب مروی در کمال

[صفحه ۴۹]

الدین، و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در جمال الاسبوع، و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب مروی در مصباح المتہجد و مفتاح الفلاح، و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة، و دعای صبح های روزهای جمعه، و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه و دعای افتتاح، و غیر اینها که ذکرش موجب طول است، بلکه از عبارت دعای روز عرفه و روایت مرویه در جمال الاسبوع در باب قنوت روز جمعه، و بعض ادله دیگر ظاهر می شود که مومن هر دعائی که می نماید، باید ابتداء کند به دعای از برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و ظهوره. و چون در این رساله بنا بر اختصار است به همین مقدار اقتصار می نمایم. و شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی (ره) به سندش از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: در روزهای جمعه گذاشته می شود از برای حضرت رسول و حضرت امیرالمومنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلی الله علیهم اجمعین

در نزد عرش حق تعالی منبرهائی از نور، پس بر آن منبرها بالا می روند، و جمع می شوند نزد آنها ملائکه و ارواح پیغمبران و مومنان، و گشوده می شود درهای آسمان، پس چون وقت ظهر جمعه می شود آن حضرت دعاء می کنند که: خدا یا نزدیک گردان آن وعده ای را که در کتاب خود در این آیه شریفه داده ای: *وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض تا آخر آیه (یعنی وعده*

[صفحه ۵۰]

داده است خدای تعالی به کسانی که ایمان آورده اند و عمل نیکو می کنند اینکه آنها را جانشینان نماید در زمین) و این وعده ظهور و استیلای امام زمان علیه السلام و رجعت حقه و دولت منتظره ائمه اطهار است در آخر الزمان. پس ملائکه و پیغمبران نیز مثل این دعاء می کنند، آن گاه حضرت رسول و امیر المومنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سجده می نمایند و می گویند: خدایا غضب نمای بر کسانی که هتک حرمت تو را نمودند، و بنده های پسندیده تو را کشتند و بندگان نیکوکار تو را خوار کردند. پس تقدیر می فرماید خدا آنچه را می خواهد، و این در روزی است که معلوم است نزد خداوند جل شانته. حقیر گوید: مرا در زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام است، چنانچه در روایات دیگر تصریح شده، و اگر کسی توهم کند که البته دعاهای آن بزرگواران مستجاب است، پس چرا این قدر ظهور آن جناب عقب افتاده؟ می گوئیم: ماها آگاه نیستیم به وقت ظهور آن حضرت که چه زمان است،

پس چه استبعاد دارد که حق تعالی شانه مقدر فرموده باشد ظهور آن جناب را در زمان بسیار دوری، اگر حضرت پیغمبر و ائمه و ملائکه و انبیاء و مومنین دعاء نکنند به جهت تعجیل در ظهور آن حضرت. و در زمانی نزدیکتر مقدر فرموده ظهور این امر را اگر اهتمام در این دعاء بنمایند، لکن هنوز آن زمان نزدیکتر نرسیده است

[صفحه ۵۱]

و جوابهای دیگر هم از این توهم داده ام، در مکیال المکارم مذکور است. و در روایتی وارد است که از زمانی که حق تعالی مستجاب فرمود دعای موسی و هارون را، تا زمانی که بر فرعونیان غلبه کردند چهل سال طول کشید، پس مومن باید صبر نماید و از دعاء کردن خسته نشود.

[صفحه ۵۲]

سر اهتمام ائمه در دعا برای ظهور امام زمان علیهم السلام

در بیان سر زیادتی اهتمام ائمه طاهرین علیهم السلام در دعای به حضرت صاحب الزمان علیهم السلام و طلب فرج و ظهور آن جناب را از خداوند عالمیان، و در این مختصر به یک وجه اکتفاء می نمایم: بدان که دعاء کردن به کسی، فرع محبت به آن کس است، و اعظم اسباب محبت و دوستی آن است که شخص وجود کسی را خیر بدانند، که بودن خیر در وجود هر کسی مقتضی و موجب محبت اوست. پس هر قدر معرفت شخص انسانی به وجود خیر در وجود کسی کاملتر شد محبتش به او کاملتر می شود، و هر قدر محبتش کاملتر شد تعلقش در دعای به وجود او کاملتر و زیادتر می شود، و واضح است که حقیقت معرفت و شناسائی به وجود مبارک حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و خیرات وجود اقدس او به

نحو اکمل، برای هیچ کس ممکن و میسر نیست، مگر حضرت رسول الله و ائمه طاهرين صلی الله علیه و علیهم. زیرا که آنها از شجره طیبه واحده می باشند، و کسی دیگر از مخلوقات نمی تواند احاطه به شئون آنها نماید، لهذا محبت آنها هم به آن جناب اکمل و اعظم محبتها است. و

[صفحه ۵۳]

همین کافی است از برای شدت اهتمامشان به دعای به وجود مبارک او، و طلب فتح و نصرت و فرج از برای او. و از این بیان ظاهر شد نکته فرمایش حضرت صادق علیه السلام در حدیثی که شیخ نعمانی (ره) در کتاب غیبت روایت کرده که فرمود: اگر من درک می نمودم زمان حضرت قائم علیه السلام را، تا زنده بودم خدمت او را می نمودم. و همچنین مومنین هر کدام که معرفتشان به آن حضرت و خیرات و وجود مبارک او کاملتر است، محبتشان هم کاملتر است، و هر چه محبتشان کاملتر باشد، اهتمامشان در دعا گوئی به آن حضرت کاملتر و زیادتر است.

یا رب آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب

تو برون آور و ما را به لقایش برسان

آنچه مانع ز ظهورش شده از جا بردار

و آنچه اسباب ظهور است برایش برسان

دشمنانش همه تن ها ز روان خالی ساز

دوستانش همه را بوسه به پایش برسان

[صفحه ۵۴]

منافع دنیوی دعا

در بیان فوائد و منافع دنیوی که حاصل می شود به دعاء نمودن از برای آن حضرت، و طلب فرج و ظهور را و علیه السلام. و در اینجا به ذکر ده فائده اکتفا می کنم:

اول: آن که موجب طول عمر می شود. زیرا که دعای به آن حضرت صله رحم پیغمبر

صلی الله علیه و آله است. و در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ذکر فرموده که: صله رحم پیغمبر صلی الله علیه و آله افضل و واجبتر است از صله رحم خود شخص. بنابر این فوائدی که مترتب می شود بر صله رحم خود شخص به طریق اولی و نحو اکمل مترتب می شود به صله نمودن رحم پیغمبر صلی الله علیه و آله و از جمله آنها است طول عمر. در کافی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که فرمود: صله رحم کردن اعمال را پاکیزه می کند و بلاء را دفع می کند و باعث آسانی حساب قیامت می شود و عمر را دراز می کند. به این تقریب می توان گفت که هر نوع خدمتی به امام

[صفحه ۵۵]

زمان علیه السلام بکند، باعث رسیدن به این فوائد هست. و بخصوص در ثواب دعای دوم که مذکور می شود روایت شده که موجب طول عمر می شود.

فائده دوم: دفع بلاها و وسعت روزی است. در اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: دعاء نمودن شخص از برای برادر دینی خود در غیاب او روزی را زیاد می کند و دفع می کند مکروه را. حقیر گوید: مسلم است که هر چند آن مومن افضل باشد، حصول این فائده به دعای در غیاب او اکمل خواهد بود. پس دعای از برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام که اصل ایمان و معدن ایمان است، در زمان غائب بودن آن جناب، بیش از دعای برای هر مومنی سبب رسیدن به این فائده عظیمه خواهد بود.

فائده سوم:

آن که مواظبت نمودن مومن به دعای به جهت آن جناب، سبب مستجاب شدن سایر دعاهائی است که مومن در حق خودش یا دیگران می کند. و ده وجه برای این مطلب در کتاب مکیال المکارم ذکر نموده ام. پس مومن سزاوار است که در همه دعاهایش، ابتداء کند به دعای برای آن حضرت عجل الله تعالی فرجه و ظهوره.

فائده چهارم: شرفیاب شدن به ملاقات آن جناب در بیداری یا خواب. چنانچه در خصوص دعای دوم، و بعضی دعاهاى دیگر، روایت شده است. و در بحار و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید:
اللهم صل علی

[صفحه ۵۶]

محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمیرد تا به فیض ملاقات حضرت قائم علیه السلام مشرف شود. ظاهر این است که مقصود مداومت بر این عمل است، که مشتمل است بر دعاء و صلوات بر محمد و آل محمد، و مسئلت تعجیل در فرج آنها که به ظهور حضرت قائم علیه السلام حاصل می شود.

فائده پنجم: زیاد شدن نعمتهای الهیه، زیرا که شکر نعمت، به نص آیه قرآن، سبب زیاد شدن آن می شود. چون وجود مبارک آن حضرت اعظم نعمتهای الهیه است، علاوه بر این واسطه در تمام نعمتهای ظاهریه و باطنیه است. چنانچه در اخبار متواتره ذکر شده و در بحار و غیره از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که، به ابی حمزه ثمالی فرمودند: ای ابا حمزه مبادا در ساعت بین الطلوعین خواب باشی که در آن ساعت حق تعالی تقسیم می فرماید ارزاق بندگان را و بدست ما جاری

می گرداند آنها را. پس شکرگزاری آن وجود مبارک لازم است و سبب زیادتی نعمت است و دعای به آن جناب نوعی از شکرگزاری ایشان است. در کمال الدین و غیره از محمد بن زیاد ازدی روایت شده که گفت: پرسیدم از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از تفسیر آیه شریفه و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه فرمودند: نعمت ظاهره امام ظاهر است و نعمت باطنه امام غائب است.

[صفحه ۵۷]

گفتم: آیا می باشد از امامان کسی که غائب شود؟ فرمود: بلی غائب می شود از چشمهای مردم شخص او و غائب نمی شود از دلهای مومنین یاد او. و او دوازدهمی ماها است که آسان می کند حق تعالی برایش هر مشکلی را. و هموار می کند برایش هر ناهمواری را. و ظاهر می فرماید برایش گنجهای زمین را. و نزدیک می کند برای او هر دوری را و فانی می کند به او هر سرکشی کننده ستم کاری را. و هلاک می کند به دست او هر شیطان نابکاری را. آن پسر سیده کنیزکان است، که مخفی می شود بر مردم ولادت او. و حلال نیست برای آنها تصریح نمودن به اسم او تا آن زمان که حق تعالی او را ظاهر گرداند. پس بر کند زمین را از عدل و داد هم چنانکه پر شده باشد از ظلم و ستم.

فائده ششم: آن که دعای برای آن جناب، سبب یاری خدا، و غلبه شخص دعاء کننده می شود بر اعداء. زیرا که دعای به آن حضرت یاری اوست و یاری او یاری خدا است. و حق تعالی در قرآن مجید وعده فرموده

است که یاری کند هر کسی که یاری نماید او را، در چند موضع. یکی و لینصرن الله من ینصره دیگر ان تنصروا الله ینصرکم.
فائده هفتم: برگشتن بدنیا در زمان ظهور آن جناب چنانچه در حدیقه الشیعه، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است.
و در فضیلت دعای عهد نامه، بخصوص در کتب متعدده، مانند بحار و غیره روایت شده است.

فائده هشتم: آن که دعای به تعجیل فرج، و ظهور آن

[صفحه ۵۸]

حضرت، باعث ثبوت ایمان، و نجات از مهالک و فتن آخر الزمان است. و دلیل بر این مطلب، حدیثی است که شیخ صدوق (ره) در کمال الدین روایت فرموده از احمد بن اسحاق قمی (ره) گفت: وارد شدم بر امام حسن عسکری علیه السلام و می خواستم بپرسم از آن جناب از امام و خلف بعد از او. آن جناب پیش از سؤال من فرمود: ای احمد بن اسحاق، بدرستی که خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون. و خالی نمی گذارد تا قیامت از کسی که حجت باشد بر خلق، که به او دفع بلاء می کند از اهل زمین. و به برکت او باران می بارد، و برکات زمین را بیرون می آورد. احمد گفت: من گفتم، یابن رسول الله (ص)، پس کیست امام و جانشین شما بعد از شما. حضرت به تعجیل داخل خانه شدند و بیرون آمدند در حالتی که بر دوش آن حضرت، پسری بود به سن سه ساله، که رویش مثل ماه شب چهارده بود، پس فرمود: ای احمد بن اسحاق، اگر نبود به جهت کرامت تو نزد خدا و حجتهای او، من

این پسر را به تو نشان نمی دادم. اوست همنام و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله که زمین را پر از عدل و داد می کند، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحق مثل او در این امت: مثل خضر و ذوالقرنین است به خدا قسم البته غائب خواهد شد غائب شدنی، که نجات نمی یابد از هلاکت در زمان غیبت او مگر کسی که خدا او را ثابت کند، بر قول به امامت او، و توفیق دهد به او که دعا کند به تعجیل فرج و ظهور او.

[صفحه ۵۹]

احمد گفت: گفتم ای مولای من علامتی به من بنما که دلم مطمئن شود. ناگاه آن پسر به زبان عربی فصیح نطق کرد. و فرمود: منم بقیه الله در زمین. و انتقام کشنده از دشمنان خدا. پس طلب نکن اثری بعد از عین ای احمد بن اسحق.

فائده نهم: دفع شدن بلاها و عقوبتها، از کسانی که مستوجب آنند به برکت دعا کنندگان از برای ظهور امام زمان علیه السلام. زیرا که در فائده سابقه دانستی که این امر شریف، سبب ثبوت بر ایمان بلکه علامت آن، و باعث نجات از فتن آخر الزمان است. و از حصول این فائده، حاصل می شود فائده دیگر. که آن محفوظ بودن دیگران، از بلاها و عقوبات ناگهان است، به برکت وجود دعا کنندگان برای این مطلب. چنانچه در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: می آید بر مردم زمانی که غائب می شود امام آنها، خوشا به حال کسانی که ثابت هستند بر امر ما، در آن

زمان. به درستی که کمتر چیزی که از برای آنها از ثواب هست این است که حق تعالی آنها را ندا می فرماید: که ای بندگان من، ایمان آوردید به سر من، و تصدیق نمودید حجت غائب مرا. پس مژده باد شما را به نیکوئی ثواب از من. پس شمائید بندگان من و کنیزان من. به راستی از شماها قبول می فرمایم اعمال خوب را، و از شماها عفو می کنم اعمال زشت شما را، و شما را می آمرزم، و به برکت شماها

[صفحه ۶۰]

باران بر بندگانم می بارم، و به برکت شماها دفع بلا از ایشان می کنم. و اگر شماها نبودید، همانا عذاب خود را بر ایشان نازل می فرمودم.

فائده دهم: آن که امید هست به برکت دعا کردن و تضرع نمودن مومنین در سئوال تعجیل فرج و ظهور آن حضرت، این امر عظیم زودتر واقع گردد، و شاهد بر این مطلب حدیثی است که در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: حق تعالی وحی فرمود به حضرت ابراهیم علیه السلام که پسری به او عطا می فرماید. چون خبر به ساره داد گفت: چگونه از من فرزند متولد می شود با وجود آن که پیر زن شده ام و زمان آبستن شدنم گذشته است؟ پس خدای عز و جل به ابراهیم وحی فرمود که به همین زودی فرزندی برای تو از ساره متولد خواهد شد و به پاداش این که وحی ما را از روی تعجب رد کرد فرزندان او چهارصد سال به دست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد. و آن زمانی بود که بنی اسرائیل مبتلای به

فرعونیان بودند، پس چون طول کشید زمان ابتلای آنها در میان فرعونیان، به زاری در آمدند و چهل روز گریه کردند و بسوی خدا توجه کردند و طلب فرج نمودند، حق تعالی به موسی و هارون وحی فرستاد که آنها را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد فرمود، با وجود آن که هنوز یکصد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود. آن گاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند: شماها هم اگر این چنین رفتار می کردید یعنی اتفاق

[صفحه ۶۱]

می نمودید در گریه و زاری کردن، و طلب فرج ما را از خدا نمودن، البته حق تعالی فرج ما را ظاهر می فرمود. اما چون شماها مانند آنها نمی کنید، این امر به منتهایی که باید خواهد رسید.

[صفحه ۶۲]

فایده های اخروی تداوم در دعا

در بیان فوائد و منافع اخرویه این امر شریف.

یعنی مداومت و اهتمام نمودن، در بسیاری دعا، به وجود مبارک آن جناب و سؤال نمودن تعجیل در ظهور و فرج او، از حضرت رب الارباب. و آنها زیاده بر صد فائده است که با دلیل و برهان مفصلا در کتاب مکیال المکارم، ذکر نموده ام. و چون در این رساله بنا بر اختصار است، فقط همان فوائد را بطور فهرست و اجمال، می شمارم، تا خوانندگان را موجب ملال نشود. و برای عوام همین مقدار کافی است. اول: فائز شدن به شفاعت حضرت رسول، صلی الله علیه و آله در قیامت.

دوم: شفاعت حضرت فاطمه، علیها السلام.

سوم: رسیدن به شفاعت حضرت صاحب الزمان، علیه السلام.

چهارم: آن که دعای به آن حضرت اظهار محبت به آن جناب است. و در کافی روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که

فرمود: چون کسی را از اهل ایمان دوست داری، اظهار کن محبت خودت را نسبت به او، زیرا که همین سبب

[صفحه ۶۳]

زیادتی و ثبات محبت و دوستی می شود.

پنجم: آن که دعای به آن جناب و مسئلت ظهورش را از حق تعالی، علامت انتظار است و از برای انتظار ثواب های بسیار است، که در نور الابصار ذکر نموده ام. ششم: آن که حاصل می شود به آن احیاء امر امام. و آن سبب سرور شخص می شود، در قیامت.

هفتم: باعث دور شدن شیطان می شود، از شخص دعا کننده.

هشتم: آن که حاصل می شود به آن، ادای بعض حقوق امام، فی الجمله.

نهم: آن که حاصل می شود به آن تعظیم از برای خداوند منان. و آن اعظم عبادات بلکه روح آنها است.

دهم: آن که این دعا نوعی است از توسل بوسیله الهیه، که امر فرمود به آن در آیه شریفه: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله وجاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون. (ای کسانی که ایمان آورده اید نگاه دارید خود را از عذاب خدا. و طلب کنید وسیله رحمت او را. و کوشش نمائید در راه او، تا رستگار شوید).

یازدهم: آن که حاصل می شود، به آن ادای مزد رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فی الجمله. زیرا که آن نوعی از مودت است به ذوی القربی. و حق تعالی آن را مزد رسالت قرار داده، در آیه شریفه: قل لا- اسالکم علیه اجرا الا- الموده فی القربی. (یعنی بگو طلب نمی کنم از شماها بر پیغمبری خودم مزدی را مگر آن که دوستی و اظهار مودت

کنید با قربی)

[صفحه ۶۴]

و تفسیر شده قربی به حضرت امیر و فاطمه و اولاد آنها.

دوازدهم: باعث آمرزش گناهان، می شود.

سیزدهم: آن که داخل می شود، مومن به سبب دعا نمودن از برای امام زمان علیهم السلام، در زمره اخوان خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله. و این بالاترین مقامات است برای انسان.

چهاردهم: آن که دعای به آن حضرت تاسی و اقتداء است به ائمه طاهرین علیهم السلام.

پانزدهم: آن که نوعی است از وفای به عهد الله که امر فرموده به آن در قرآن مجید.

شانزدهم: آن که نوعی است از رعایت امانت الهیه که آن وجود مبارک امام است. هفدهم: آن که باعث زیادتى اشراق نور امام می شود در قلب او، ان شاء الله تعالی.

هجدهم: آن که آن نوعی است از اعانت بر بر و تقوی زیرا که تمام خیرات ظاهر می شود به ظهور آن جناب علیه السلام.

نوزدهم: آن که باعث هدایت یافتن به نور کتاب الله مجید می شود.

بیستم: قبول شدن اعمال صالحه انسان به برکت دعای به حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

بیست و یکم: مرتب می شود بر این دعا ثواب طلب علم هر گاه مقصود انسان استفاضه به علوم ربانیه امام زمان علیه السلام باشد.

بیست و دوم: آن که ایمن می شود از عقوبتها و شدت های روز قیامت، انشاء الله تعالی.

بیست و سوم: آن که حاصل می شود به آن اجابت دعوت خدا و رسول صلی الله علیه و آله.

[صفحه ۶۵]

بیست و چهارم: آن که سبب بودن داعی می شود با امیر المومنین علیه السلام در درجه و مقام آن حضرت در روز قیامت.

بیست و پنجم: آن که

محبوب ترین خلق می شود نزد خداوند عالمیان جل شانہ.

بیست و ششم: آن که عزیزترین مردم می شود نزد خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله.

بیست و هفتم: آن که دعا کننده در امر فرج و ظهور آن حضرت اهل بهشت می شود، انشاء الله تعالی.

بیست و هشتم: آن که دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله شامل حال او می شود. بیست و نهم: آن که خداوند او را در امر عبادت یاری می فرماید، به جهت اهتمامش در دعای به امام زمان علیه السلام.

سی ام: آن که حاصل می شود به آن ثواب اعانت مظلوم.

سی و یکم: حاصل می شود به آن ثواب اجلال و احترام کبیر.

سی و دوم: حاصل می شود به آن ثواب طلب نمودن خون بناحق ریخته شده مظلوم کربلاء و سایر مظلومین.

سی و سوم: آن که حاصل می شود به آن توانائی تحمل احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام.

سی و چهارم: آن که در قیامت نوری از او ساطع می شود که دیگران به آن منتفع می شوند.

سی و پنجم: آن که شفاعت می کند از برای هفتاد هزار نفر از گناهکاران و قبول می شود.

سی و ششم: اطمینان و آرام بودن قلب در روز قیامت.

[صفحه ۶۶]

سی و هفتم: آن که به مواظبت و اهتمام در دعای تعجیل فرج و ظهور آن جناب علیه السلام حاصل می شود ثواب بیست حج با علاوه.

سی و هشتم: ثواب عمره دارد.

سی و نهم: آن که ثواب اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام دارد.

چهلیم: ثواب دو ماه روزه با اعتکاف در مسجد الحرام دارد.

چهل و یکم: آن که افضل است از آزاد کردن

هزار بنده در راه خدا.

چهل و دوم، آن که بهتر است از دادن هزار اسب به جهاد کنندگان در راه خدا، و مقتضای افضل بودن زیادتی ثواب آن است.

چهل و سوم: آن که اهتمام در بسیاری دعای به تعجیل ظهور و فرج آن حضرت افضل است از ده مرتبه طواف دور خانه کعبه مشرفه.

چهل و چهارم: آن که صد هزار حاجت او در روز قیامت روا می شود.

چهل و پنجم: محشور شدن در زمره حضرت رسول و ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين. چهل و ششم: بشارت در وقت مردن.

چهل و هفتم: آن که ملائکه در حق او دعا می کنند.

چهل و هشتم: این دعا سبب جراحت قلب شیطان می شود.

چهل و نهم: در محشر از طعام های بهشت بهره مند می شود و متنعم می گردد در حالی که مردم مشغول به حساب هستند.

پنجاهم: از آفتاب قیامت محفوظ می ماند.

[صفحه ۶۷]

پنجاه و یکم: در عالم برزخ از عذابها و هول های آن عالم ایمن است.

پنجاه و دوم: سبب سرور رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

پنجاه و سوم: در عالم قبر و برزخ رفیق و مصاحب نیکو پیدا می کند.

پنجاه و چهارم: حساب او در قیامت آسان می شود، یعنی از سیئات او عفو می شود و دقت نمی شود.

پنجاه و پنجم: درهای بهشت برای او گشوده می شود.

پنجاه و ششم: آن که دعای حضرت سید الساجدین علیه السلام شامل حال او می شود.

پنجاه و هفتم: آن که به دعا نمودن در حق امام زمان علیه السلام حاصل می شود اعتصام به جبل الله، که حق تعالی امر به آن فرموده در

آیه شریفه و اعتصموا بحبل الله.

پنجاه و هشتم: حاصل می شود به آن توسل و تمسک به عترت طاهره خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله و سلم.

پنجاه و نهم: آن که باعث رسیدن به مثل ثلث ثواب عبادت جمیع عابدان می شود. بلکه دو ثلث مثل جمیع ثواب های عبادت عابدان، هر گاه دعا کردن او به آن حضرت از جهت اظهار محبت به امیرالمومنین علیه السلام باشد و در حال دعا به دست خود تضرع و ابتهال نماید، زیرا که حاصل می شود به مداومت به این کیفیت از دعا، اظهار محبت قلبی و لسانی و یدی به امیرالمومنین علیه السلام. و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که: هر کس دوست دارد علی را به دل و زبان و دست،

[صفحه ۶۸]

حق تعالی ثواب جمیع عبادات عابدان را به او مرحمت می فرماید.

شصتم: کامل شدن ایمان.

شصت و یکم: ثواب شهادت در حضور خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله را دارد.

شصت و دوم: ثواب شهادت در حضور حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دارد.

شصت و سوم: ثواب احسان نمودن به امام را دارد.

شصت و چهارم: ثواب اکرام عالم را دارد، و اکرام و احترام نمودن برای عالم یعنی عالم عامل از جمله عبادات عظیمه است. در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هر کس اکرام کند مومن فقیهی را، در روز قیامت حق تعالی از او راضی و خشنود باشد، و هر کس بی احترامی کند به مومن فقیهی، حق تعالی در قیامت بر او غضبناک باشد.

شصت و پنجم: ثواب اکرام کریم را دارد.

شصت و

ششم: حاصل می شود به آن مکافات بعضی از احسان های آن حضرت در حق ماها فی الجملة.

شصت و هفتم: حاصل می شود به آن اطاعت اولی الامر فی الجملة.

شصت و هشتم: رسیدن به درجات شهدا بلکه شهدای در خدمت امیرالمومنین علیه السلام.

شصت و نهم: حاضر شدن ملائکه در مجلسی که در آن دعا کرده

[صفحه ۶۹]

می شود در حق امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

هفتم: آن که دعا نمودن به آن حضرت در این زمان افضل و بهتر است از دعا کردن به آن حضرت در زمان ظهور و استیلاى آن جناب، به مقتضای احادیث و روایات. و اکتفا می کنم در این مختصر به همین مقدار و هر کس طالب بر اطلاع بر زیادتر از این است رجوع کند به کتاب مکیال المکارم که به بیانات وافیه و تحقیقات شافیه با دلیل های بسیار از احادیث ائمه اطهار علیهم السلام ذکر نموده ام.

تنبيه (یاد آوری):

از آن چه گفتیم ظاهر شد که این عمل شریف را در میان عبادات جامعیتی است که از برای سایر عبادات نیست، از جهت بسیاری ثواب های عظیمه و فوائد جلیله که حاصل می شود به آن، لکن باید دانست که فائز شدن به تمامی آن فوائد و ثوابها من حیث المجموع بر وجه کمال مشروط به سه شرط است، بنابر آن چه ظاهر می شود از آیات و روایات بسیار:

شرط اول: ایمان است و مقصود از آن یقین قلبی و اقرار زبانی است به اصول دین و مذهب، که تمام آنها راجع به سه مطلب می شود: اول: معرفت به خداوند جل شانہ و وحدانیت او و صفات ثبوتیه

او که از جمله آنها عدل است و صفات سلبيه او.

دوم: معرفت به رسول او حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و خاتمیت آن حضرت و حقیقت جمیع آن چه فرموده است، که از آن جمله است معاد و سایر ضروریات دین. سوم: معرفت و شناسائی به دوازده امام که اول آنها

[صفحه ۷۰]

حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام و خاتم آنها امام زمان حضرت حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام باشند، و آن که آن حضرت زنده است و غایب است و نخواهد مرد، تا آن که ظاهر شود و عالم را مملو از عدل فرماید. پس هر گاه نعوذ بالله کسی در یکی از امور مذکوره شک داشته باشد، مومن نیست و هیچ عملی از او قبول نمی شود، و اگر به آن حالت مرد نجات ندارد، و همچنین اگر منکر یکی از ضروریات دین شود، و مراد از ضروریات دین آن حکم هائی است که واضح و ظاهر باشد بر هر مسلمانی که نشو و نما کرده باشد در اسلام، که آن حکم دین اسلام است مثل واجب بودن پنج نماز در هر شبانه روز و واجب بودن روزه ماه رمضان و حرام بودن ربا و شرب خمر و نحو اینها.

شرط دوم: تحصیل تقوای واقعی، بدان که تقوای به معنی پرهیزکاری است، و آن را چهار درجه است که به تفاوت آنها درجات ثواب و قبول اعمال شخص تفاوت پیدا می کند:

درجه اول: اجتناب از گناهان کبیره است، و آن گناهانی است که در شرع بزرگ شمرده شده، و هر گاه شخص این درجه را حاصل نمود، از گناهان

صغیره او عفو می شود و به ثواب اعمال خیر و دخول بهشت فائز می شود. و دلیل بر این است آیه شریفه: ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریمًا. اگر پرهیز کنید از گناهان کبیره که نهی کرده شده اید از آن، ما می بخشیم گناهان صغیره شما را، و شما را به جایگاه نیکو داخل می نمائیم.

[صفحه ۷۱]

و روایات هم مطابق آن وارد شده است. پس بر مومنی که طالب ثواب است و از عذاب حق تعالی ترسان است، لازم است گناهان کبیره را اقلاً بشناسد تا از آنها پرهیز نماید. و در این خصوص مرحوم مبرور ثقه الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی - رفع الله تعالی درجته - رساله خوبی نوشته اند، خوب است مومنین آن را تحصیل نموده و از آن بهره مند شوند. و پوشیده نماند که هر گناه صغیره یی چون اصرار بر آن کنند کبیره می شود، چنانچه در روایت وارد شده و نقل اجماع علما نیز بر آن شده است. و ترک هر واجبی حرام است، لکن بعضی واجبات ترکش گناه کبیره است مثل ترک نماز. و بعضی ترکش حرام است، لکن گناه صغیره است مثل ترک جواب سلام، که کبیر بودنش معلوم نیست، مگر اینکه باعث هتک احترام مومن و ایزدای به او شود. درجه دوم: که بالاتر از اول است پرهیز نمودن از تمام گناهان است، و واضح است که هر کس این درجه را حاصل کرد ثواب عباداتش اکمل از اول است، و تحصیل این دو درجه از تقوی واجب است به مقتضای آیات و روایات.

درجه سوم:

که از آنها بالاتر است، حاصل می شود به ترک مکروهات به جهت خوف از افتادن در محرمات.

درجه چهارم: که از آن سه درجه بالاتر است، ترک مباحات است به جهت ترس از افتادن در مکروهات و محرمات، و این دو درجه مقام مومنین کاملین است که هر عملی از آنها صادر می شود مقرون به رضای حضرت حق سبحانه و تعالی است.

[صفحه ۷۲]

شرط سوم: از شروط رستگار شدن به ثواب های کامله تهذیب نفس است از صفات رذیله، یعنی صفات خبیثه یی که در باطن انسان کمین ساخته و او را از ساحت قرب الهی دور انداخته اند، مثل تکبر و حرص و حسد و کینه و نفاق و محبت دنیا و عجب و غیرها را از خود دور نماید، که با وجود بودن آنها شخص به مطلوب خود نخواهد رسید. بلکه بعضی از صفات خبیثه چنان با اثر است که بکلی شخص را از ثواب محروم می کند، بلکه باعث زوال ایمان می شود مثل محبت دنیا و نحو آن. و اگر بخواهم در این مطالب تفصیل بدهم کتاب بزرگی خواهد شد، لهذا به همین مقدار اشاره نمودیم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم

تو خواه از سخنم پندگیر و خواه ملال

پس هر گاه شخص مومن با حصول شرایط مذکوره، اهتمام و مداومت نمود در دعای به وجود مبارک امام زمان علیه السلام، و طلب نمودن تعجیل در فرج و ظهورش را از خلاق عالم جل شانہ، فائز می شود به تمامی فوائد مذکور به نحو کمال انشاء الله تعالی.

فصل (اشکال و پاسخ):

بسا هست که بعضی از کوته نظران استبعاد کنند و

بگویند: چگونه به ازای عمل کوچک مختصری این همه ثوابت و منافع داده می شود؟ و جواب از این شبهه از سه راه است:

اول: آن که این عمل شریف (یعنی دعای به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام) کوچک نیست در نزد اهل بصیرت، تا آن که جای این استبعاد باشد، بلکه در

[صفحه ۷۳]

نهایت بزرگی و کمال عظمت شان است، و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند، مثل آن که یک دانه جواهر کوچک بسا می شود و پنج هزار تومان قیمت دارد، لکن اهل خبره آن می داند و شخص ناشی را نمی رسد که به آن دانا اعتراض کند که: چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی؟ و عالم به شان و قیمت این دعا خلاق عالمیان و خاتم پیغمبران و ائمه طاهرین علیهم السلام می باشند. و مثل دعای به امام زمان علیهم السلام روحی و ارواح العالمین فداه مثل کلمتین شهادتین است، هر چند کوچک و مختصر است لکن به محض گفتن شخص کافر مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود، و هکذا سایر آثار که دارد. و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن انکار آثار آن را نماید.

جواب دوم: آن که ثواب هائی که حق تعالی به ازای هر عملی عطا می فرماید از راه تفضل است نه استحقاق شخص. و مثل این دعا و سایر عبادات مثل هدیه ای است که شخص محتاج به خدمت شخص کریم می برد، یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند،

بلکه به مقتضای کرم خود انعام می فرماید. بسا هست یک گل به او تعارف می کنند، صد تومان انعام می دهد، و همه کس او را تحسین می کند. در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه گل به آن حضرت تعارف کرد، آن جناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: آن که تمام این عطاها و ثوابت که به دعا کننده در حق امام زمان علیه السلام عطا می شود، فی الحقیقه

[صفحه ۷۴]

عطیه خداوند جل شانہ است به خود آن حضرت، و اکرام آن حضرت است. و واضح است که آن جناب استحقاق این مراتب و ما فوق آنها را دارند. مثلاً هر گاه شخص بزرگی شخص بزرگی دیگر را ضیافت نمود، نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسانها و انعام هائی می کند که آنها به خودی خود لیاقت آن گونه تجلیلات را ندارند، لکن به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ مورد آن الطاف می شوند، و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنها است، و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها علی حسب مراتبهم بشود، باعث تکدر خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود. چنانچه کثرت ثوابها و عطا هائی هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیدالشهداء علیه السلام عنایت می شود، از جهت انتساب و تعلق ایشان است به آن حضرت، نه از جهت استحقاق خودشان. بیت:

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند

دو عالمی ز کریمان عجب بپندارند

[صفحه ۷۵]

اوقات دعا

در بیان اوقات و حالات که اهتمام و تاکید در دعا

نمودن از برای آن جناب و مسئلت تعجیل فرج آن حضرت بیش از سایر اوقات شده. و در این مختصر به ذکر جمله ای از آنها اکتفا می نمایم:

اول: در قنوت نمازها، چنانچه در قنوتهای متعدده از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت شده، از آن جمله: در مستدرک الوسائل روایت است که حضرت صادق علیه السلام به شیعیان خود امر می فرمودند که در قنوت نمازها بعد از کلمات فرج [۱] این دعا را بخوانند: اللهم اليك شخصت الابصار و نقلت الاقدام و رفعت الايدي و مدت الاعناق و انت دعيت بالالسن و اليك سرهم و نجواهم في الاعمال. ربنا افتح بيننا و بين

[صفحه ۷۶]

قومنا بالحق و انت خير الفاتحين. اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا و غيبه امامنا و قله عددنا و كثره اعدائنا و تظاهر الاعداء علينا و وقوع الفتن بنا، ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره و امام حق نعرفه اله الحق آمين رب العالمين. حقير گوید: هر گاه نتواند این دعا را بخواند یا وقت تنگ باشد، کفایت می کند اینکه بگوید: اللهم عجل فرج مولانا صاحب الزمان و عجل خزی اعدائه.

دوم: بعد از هر نماز واجب، چنانچه ذکر خواهد شد.

سوم: بعد از هر دو رکعت از نماز نافله شب.

چهارم: هر صبح و شام بخصوص.

پنجم: هر وقت آن حضرت را زیارت می کنی. چنانچه شهید (ره) در دروس فرموده. ششم: هر وقت می خواهی برای خودت دعا کنی، اول برای آن جناب دعا کن بعد در حق خودت. چنانچه از روایات و ادعیه مستفاد می شود.

هفتم: روزهای پنجشنبه، بخصوص در جمال الاسبوع روایت فرموده که در روز پنجشنبه مستحب است که صد

مرتبه بگویند: اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجن و الانس من الاولين و الاخرين. و از برای آن فضیلت بسیار است.

هشتم: روزهای جمعه، خصوص وقت زوال و بعد از نماز ظهر و عصر آن. از حضرت صادق علیه السلام مروی است که افضل اعمال

[صفحه ۷۷]

روز جمعه آن است که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوئی: اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

نهم: روز عید ماه رمضان.

دهم: روز عید قربان.

یازدهم: روز عید غدیر.

دوازدهم: روز عرفه.

سیزدهم: روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة که دحو الارض است.

چهاردهم: شب نیمه ماه شعبان.

پانزدهم: روز نیمه شعبان.

شانزدهم: تمام ماه رمضان.

هفدهم: خصوص شبهای آن.

هجدهم: خصوص شب قدر.

نوزدهم: خصوص روز بیست و یکم ماه رمضان بعد از نماز صبح.

بیستم: روز عاشورا. و ادله هر یک را در کتاب مکیال المکارم ذکر کرده ام. بیست و یکم: روز نوروز است، به ملاحظه حدیث معلى بن خنيس که در زاد المعاد مسطور است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هیچ روز نوروزی نیست مگر آن که ما انتظار فرج می کشیم. پس مومن هم باید تاسی به امام خود نماید و در انتظار و دعا گوئی او اهتمام تمام نماید.

بیست و دوم: هر وقت هم و غمی عارض می شود، باید مخصوصا دعای به امام زمان علیه السلام نماید و طلب رفع هم و غم آن

حضرت را از حق تعالی بنماید. چون که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: هر وقت هم و غمی عارض قلب امام می شود، آن غم اثر در قلوب شیعیانش می کند. و

از این جهت بعضی اوقات قلب مومن محزون و غمناک می شود، با وجود آن که جهتی ظاهرا از برای آن نمی یابد.

[صفحه ۷۹]

پاورقی

[۱] کلمات فرج این است: لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم.

بعضی از دعاها

بدان که فائز شدن به فوائد مذکوره از برای دعا نمودن به تعجیل امر فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام به نحو کمال حاصل می شود، به اینکه شخص مداومت و اهتمام داشته باشد در دعای به وجود مبارک امام زمان علیه السلام، و طلب فرج و ظهور آن حضرت از خداوند عالمیان جل شانہ و اینکه این دعا را بسیار کند، و طلب فرج و ظهور او را و رفع هموم و غموم را از قلب مبارک او از حق تعالی بسیار نماید، به هر زبان که باشد، چه فارسی چه عربی چه غیر آنها. لکن سزاوار است که در آن حال با کمال تضرع و زاری دعا کند، مثل کسی که از برای عزیزترین اهل خودش دعا می کند در حال اضطرار او، و غرضش از دعا کردن به آن حضرت محبت به حضرت حق تعالی شانہ و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام باشد. و بهتر آن است که دعاهائی را که از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده به جهت آن بزرگوار بخواند و آنها بسیار است، و این حقیر در این مختصر به ذکر چند دعا اکتفا می نمایم:

اول: در فقیه از حضرت امام محمد

است که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوان: رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد (ص) نبیا و بعلی (ع) ولیا و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجه بن الحسن بن علی (ع) ائمه. اللهم ولیک الحجه فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امدد له فی عمره و اجعله القائم بامرک المستنصر لدینک و اره ما یحب و تقر به عینه فی نفسه و ذریته و فی اهله و ماله و فی شیعتہ و فی عدوه و ارهم منه ما یحذرون و اره فیهم ما یحب و تقر به عینه و اشف به صدورنا و صدور قوم مومنین.

دوم: در بحار و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که این دعا را بعد از هر نماز بخوانند: اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم ان رسولک الصادق المصدق الامین صلواتک علیه و آله قال انک قلت تبارکت و تعالیت ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبیدی المومن یکره الموت و انا اکره سائته اللهم فصل علی محمد و آل محمد و عجل لولیک الفرج و النصر و العافیة و لا تسونی فی نفسی و لا فی احد من احبتی.

سوم: در فروع کافی روایت شده که این دعا را در هر حال و هر

وقت بخوانند، خصوصا در ماه رمضان، خصوصا در شب بیست و سوم آن. می گویی بعد از حمد خدا و صلوات بر خاتم انبیاء

[صفحه ۸۱]

صلی الله علیه و آله: اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صاحب الزمان علیه و علی آبائه الصلوه و السلام فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیا و حافظا و ناصر و دلیلا و قائدا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا. چهارم: در جمال الاسبوع از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت است که باید صلوات فرستاد بر حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به این کیفیت (مولف گوید: چون که این صلوات مشتمل است بر دعای به آن حضرت در هر حال و هر وقت مناسب است خواندن): اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم و اذہبت عنهم الرجس و طہرتهم تطہیرا. اللهم انصره و انتصر به لدینک و انصر به اولیائک و اولیائہ و شیعتہ و انصارہ و اجعلنا منهم. اللهم اعذہ من شر کل طاغ و باغ و من شر جمیع خلقک و احفظہ من بین یدیہ و من خلفہ و عن یمینہ و عن شمالہ و احرسہ و امنعہ من ان یوصل الیہ بسوء و احفظ فیہ رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل و ایدہ بالنصر و انصر ناصریه و اخذل خاذلیہ و اقصم به جبابرہ الکفرہ و اقتل به الکفار و المنافقین و جمیع الملحدين حیث کانوا من مشارق الارض و مغاربہا و برہا و بحرہا و سهلہا و جبلہا و املا بہ الارض عدلا و اظهر به دین نبیک علیہ

و آله السلام. و اجعلنى اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شيعته و ارنى فى آل محمد ما ياملون و فى عدوهم

[صفحه ۸۲]

ما يحذرون اله الحق رب العالمين آمين. پنجم: دعائی است که در جمال الاسبوع از حضرت امام رضا عليه السلام روایت شده که دعا نمایند به حضرت حجت عجل الله تعالى فرجه به این دعا، و این دعا وقت مخصوصی ندارد، بلکه هر وقت بتوانند این دعای شریف را بخوانند و این عاصی را به دعای خیر یاد کنند: اللهم صل على محمد و آل محمد و اذفع عن وليك و خليفتك و حجتك على خلفك و لسانك المعبر عنك باذنك الناطق بحكمتك و عينك الناظره فى بريتك و شاهدك على عبادك الحاج المجاهد المجتهد عبدك العائذ بك. اللهم و اعذه من شر ما خلقت و ذرات و برات و انشات و صورت و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته بحفظك الذى لا يضيع من حفظته به و احفظ فيه رسولك و وصى رسولك و آباءه ائمتك و دعائم دينك صلواتك عليهم اجمعين و اجعله فى وديعتك التى لا تضيع و فى جوارك الذى لا يخفى و فى منعك و عزك الذى لا يقهر. اللهم و امنه بامانك الوثيق الذى لا يخذل من امنته به و اجعله فى كنفك الذى لا يضام من كان فيه و انصره بنصرك العزيز و ايده بجندك الغالب و قوه بقوتك و اردفه بملائكتك. اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه و البسه درعك الحصينه و حفه بالملائكه حفا. اللهم و بلغه

اتباع النبيين. اللهم اشعب به الصدع و ارتق به الفتق و امت به الجور و اظهر به العدل و زين بطول بقائه الارض و ايده بالنصر و انصره بالرعب و افتح له فتحا يسيرا و اجعل له من لدنك على عدوك و عدوه سلطانا نصيرا. اللهم اجعله القائم المنتظر و الامام الذي به تنتصر و ايده بنصر عزيز و فتح قريب و ورثه مشارق الارض و مغاربها اللاتي باركت فيها و احى به سنه نبيك صلواتك عليه و آله حتى لا يستخفى بشىء من الحق مخافه احد من الخلق و قوا نصره و اخذل خاذله و دمدم على من نصب له و دمر على من غشه. اللهم و اقتل به جبابره الكفر و عمدته و دعائمه و القوام به و اقصم به روس الضلاله و شارعه البدعه و مميته السنه و مقويه الباطل و اذلل به الجبارين و ابر به الكافرين و المنافقين و جميع الملحدين حيث كانوا و اين كانوا من مشارق الارض و مغاربها و برها و بحرها و سهلها و جبلها حتى لا تدع منهم ديارا و لا تبق لهم آثارا. اللهم و طهر منهم بلادك و اشف منهم عبادك و اعز به المومنين و احى به سنن المرسلين و دارس حكم النبيين و جدد به ما محى من دينك و بدل من حكمك حتى تعيد دينك به و على يديه غضا جديدا صحيحا محضا لا عوج فيه و لا بدعه معه حتى تنير بعدله ظلم الجور و تطفىء به نيران الكفر و تظهر به معاهد الحق

و مجهول العدل و توضح به مشكلات

الحكم. اللهم وانه عبدك الذى استخلصته لنفسك و اصطفيته من خلقك و اصطفيتك على عبادك و ائتمنته على غيبك و عصمته من الذنوب و براته من العيوب و طهرته من الرجس و صرفته عن الدنس و سلمته من الريب. اللهم فاننا نشهد له يوم القيمة و يوم حلول الطامه انه لم يذنب ذنبا و لم يات حوبا و لم يرتكب لك معصيه و لم يضع لك طاعه و لم يهتك لك حرمة و لم يبدل لك فريضه و لم يغير لك شريعته و انه الامام التقى الهادى المهتدى الطاهر النقى الوفى الرضى الزكى. اللهم فصل عليه و على آبائه و اعطه فى نفسه و ولده و اهله و ذريته و امته و جميع رعيته ما تقر به عينه و تسر به نفسه و تجمع له ملك المملكات كلها قريها و بعيدها و عزيزها و ذليلها حتى يجرى حكمه على كل حكم و يغلب بحقه كل باطل. اللهم و اسلك بنا على يديه منهاج الهدى و المحججه العظمى و الطريقه الوسطى التى يرجع اليها الغالى و يلحق بها التالى. اللهم و قونا على طاعته و ثبتنا على مشايعته و امن علينا بمتابعته و اجعلنا فى حزبه القوامين بامر الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة فى انصاره و اعوانه و مقويه سلطانه.

[صفحه ٨٥]

اللهم صل على محمد و آل محمد و اجعل ذلك كله منا لك خالصا من كل شك و شبهه و رياء و سمعه حتى لا نعتمد به غيرك و لا نطلب به الا وجهك و حتى تحلنا محله و تجعلنا فى الجنه معه و لا تبتلنا فى امره بالسامه و الكسل

و الفتره و الفشل و اجعلنا ممن تنتصر به لدينك و تعز به نصر وليك و لا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير و هو علينا كبير انك على كل شىء قدير. اللهم و صل على ولاة عهدك و بلغهم امالهم و زد في اجالهم و انصرهم و تمم له ما اسندت اليهم من امر دينك و اجعلنا لهم اعوانا و على دينك انصارا و صل على آباءه الطاهرين الائمة الراشدين. اللهم فانهم معادن كلماتك و خزان علمك و ولاة امرك و خالصتك من عبادك و خيرتك من خلقك و اوليائك و سلائل اوليائك و صفوتك و اولاد اصفياك صلواتك و رحمتك و بركاتك عليهم اجمعين. اللهم و شركاوه في امره و معاونوه على طاعتك الذين جعلتهم حصنه و سلاحه و مفزعه و انسهم الذين سلوا عن الاهل و الاولاد و تجافوا الوطن و عطلوا الوثير من المهاد قد رفضوا تجارتهم و اضرروا بمعاشهم و فقدوا في انديتهم بغير غيبه عن مصرهم و خالفوا البعيد ممن عاضدهم على امرهم و خالفوا القريب ممن صد عن وجهتهم و ائتلفوا بعد التدابر و التقاطع في دهرهم و قطعوا الاسباب المتصله بعاجل حطام من الدنيا، فاجعلهم اللهم في حرزك و في

[صفحه ٨٦]

ظل كنفك و رد عنهم باس من قصد اليهم بالعداوه من خلقك و اجزل لهم من دعوتك من كفايتك و معونتك لهم و تايدك و نصرك اياهم ما تعينهم به على طاعتك و ازهق بحقهم باطل من اراد اطفاء نورك و صل على محمد و آله و املا بهم كل افق من الافاق و قطر من الاقطار قسطا و عدلا و مرحمه و

فضلا و اشكر لهم على حسب كرمك و جودك و ما مننت به على القائمين بالقسط من عبادك و اذخر لهم من ثوابك ما ترفع لهم به الدرجات انك تفعل ما تشاء و تحكم ما تريد آمين رب العالمين. ششم: صلواتي است كه از خود آن حضرت عليه السلام در جمال الاسبوع و بحار روايت شده، و مشتمل است بر دعای به جهت آن جناب و صلوات بر آن حضرت صلوات الله عليه: بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم صل على محمد سيد المرسلين و خاتم النبيين و حجه رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال المطهر من كل آفة البرىء من كل عيب المومل للنجاه المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله. اللهم شرف بنيانه و عظم برهانه و افلج حجته و ارفع درجته و اضئ نوره و بيض وجهه و اعطه الفضل و الفضيله و الدرجة و الوسيله الرفيعه و ابعثه مقاما محمودا يغطه به الاولون و الاخرون. و صل على امير المومنين و وارث المرسلين و قائد الغر المحجلين و سيد الوصيين و حجه رب العالمين.

[صفحه ٨٧]

و صل على الحسن بن علي امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على الحسين بن علي امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على علي بن الحسين سيد العابدين و امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صلى على محمد بن علي امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على جعفر بن محمد امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صلى على موسى بن جعفر امام

المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على بن موسى امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على محمد بن علي بن محمد امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على الحسن بن علي امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. و صل على الخلف الصالح الهادي المهدي امام الهدى امام المومنين و وارث المرسلين و حجه رب العالمين. اللهم صل على محمد و علي اهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك

[صفحه ٨٨]

و اركان توحيدك و تراجمه و حيك و حججك على خلقك و خلفائك في ارضك الذين اخترتهم لنفسك و اصطفيتهم على عبادك و ارتضيتهم لدينك و خصصتهم بمعرفتك و جللتهم بكرامتك و غشيتهم برحمتك و رببتهم بنعمتك و غذيتهم بحكمتك و البستهم نورك و رفعتهم في ملكوتك و حففتهم بملائكتك و شرفتهم بنبيك صلواتك عليه و آله. اللهم صل على محمد و عليهم صلوه كثيره دائمه طيبه لا يحيط بها الا انت و لا يسعها الا علمك و لا يحصيها احد غيرك. اللهم و صل على وليك المحيي سنتك القائم بامرک الداعي اليك الدليل عليك و حجتك على خلقك و خليفتك في ارضك و شاهدك على عبادك. اللهم اعز نصره و مد في عمره و زين الارض بطول بقائه. اللهم اكفه بغى الحاسدين و اعذه من شر الكائدين و ازجر عنه اراده الظالمين و خلصه من ايدي الجبارين. اللهم اعطه في نفسه و ذريته و شيعته و رعيته و خاصته و عامته و عدوه

و جميع اهل الدنيا ما تقر به عينه و تسر به نفسه و بلغه افضل ما امله في الدنيا و الاخره انك على كل شىء قدير. اللهم جدد به ما محى من دينك و احى به ما بدل من كتابك و اظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به و على يديه غضا جديدا خالصا مخلصا لا شك فيه و لا شبهه معه و لا باطل عنده و لا بدعه لديه. اللهم نور بنوره كل ظلمه و هد بركنه كل بدعه و اهدم

[صفحه ۸۹]

بعزته كل ضلاله و اقصم به كل جبار و اخمد بسيفه كل نار و اهلك بعدله كل جبار و اجر حكمه على كل حكم و اذل بسلطانه كل سلطان. اللهم اذل كل من ناواه و اهلك كل من عاداه و امكر بمن كاده و استاصل من حجد حقه و استهان بامرہ و سعى في اطفاء نوره و اراد اخماد ذكره. اللهم صل على محمد المصطفى و على المرتضى و فاطمه الزهراء و الحسن الرضا و الحسين المصطفى و جميع الاوصياء مصاييح الدجى و اعلام الهدى و منار التقى و العروه الوثقى و الحبل المتين و الصراط المستقيم و صل على وليك و ولاء عهدك و الائمه من ولده و مد في اعمارهم و زد في اجالهم و بلغهم افضل آمالهم دينا و دنيا و آخره انك على كل شىء قدير.

[صفحه ۹۰]

زيارت حضرت صاحب الزمان عليهم السلام

در کتاب احتجاج مروى است که حضرت صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه در توقيع شريف بسوى محمد بن جعفر حميرى امر فرموده بودند که هر گاه بخواهيد مرا زيارت کنيد و به سوى من توجه نمايد

پس چنین زیارت کنید و بگوئید: سلام علی آل یس، السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته، السلام علیک یا باب الله و دیان دینہ، السلام علیک یا خلیفہ الله و ناصر حقہ، السلام علیک یا حجہ الله و دلیل ارادته، السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانہ، السلام علیک فی اناء لیلک و اطراف نہارک، السلام علیک یا بقیہ الله فی ارضہ، السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذہ و وکدہ، السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنہ، السلام علیک ایہا العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الرحمہ الواسعہ و عدا غیر مکذوب، السلام علیک حین تقوم، السلام علیک حین تقعد، السلام علیک حین تقرأ و تبین، السلام علیک حین تصلی و تقنت، السلام علیک حین ترکع و تسجد، السلام علیک حین

[صفحه ۹۱]

تہلل و تکبر، السلام علیک حین تحمد و تستغفر، السلام علیک حین تصبح و تمسی، السلام علیک فی اللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی، السلام علیک ایہا الامام المامون، السلام علیک ایہا المقدم المامول، السلام علیک بجوامع السلام. اشهدک یا مولای انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله لا حیب الا هو و اهله، و اشهد ان امیر المومنین حجته و الحسن حجته و الحسین حجته و علی بن الحسین حجته و محمد بن علی حجته و جعفر بن محمد حجته و موسی بن جعفر حجته و علی بن موسی حجته و محمد بن علی حجته و علی بن محمد حجته و الحسن بن علی حجته، و اشهد انک حجہ الله، انتم الاول و الاخر و ان رجعتکم

حق لا- شك فيها يوم لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن آمنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا. و ان الموت حق و ان ناكرا و نكيرا حق و اشهد ان النشر و البعث حق و ان الصراط و المرصاد حق و الميزان حق و الحساب حق و الجنة حق و النار حق و الوعد و الوعيد بهما حق. يا مولاي شقى من خالفكم و سعد من اطاعكم، فاشهد على ما اشهدتك عليه و انا ولى لك برىء من عدوك فالحق ما رضيتموه و الباطل ما سخطتموه و المعروف ما امرتم به و المنكر ما نهيتم عنه، فنفسى مومنه بالله وحده لا شريك له و برسوله و بامير المومنين و بكم يا مولاي اولكم و آخركم و نصرتى معده لكم و

[صفحه ٩٢]

مودتى خالصه لكم آمين آمين. دعائى كه بعد از اين زيارت بايد خوانده شود: اللهم انى اسالك ان تصلى على محمد نبى رحمتك و كلمه نورك و ان تملأ قلبى نور اليقين و صدرى نور الايمان و فكرى نور البيان و عزمى نور العلم و قوتى نور العمل و لسانى نور الصدق و دينى نور البصائر من عندك و بصرى نور الضياء و سمعى نور الحكمة و مودتى نور الموالاه لمحمد و آله عليهم السلام، حتى القاك و قد وفيت بعهدك و ميثاقك، فيسعنى رحمتك يا ولى يا حميد. اللهم صل على محمد حجتك فى ارضك و خليفتك فى بلادك و الداعى الى سبيلك و القائم بقسطك و الثائر بامرک ولى المومنين و بوار الكافرين و مجلى الظلمه و منير الحق و الناطق بالحكمه و الصدق و كلمتك التامه فى ارضك المرتقب

الخائف و الولی الناصح سفینه النجاه و علم الهدی و نور ابصار الوری و خیر من تقمص و ارتدی و مجلی العمی الذی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما انک علی کل شیء قدیر. اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم و اذهبت عنهم الرجس و طهر - تهم تطهیرا. اللهم انصره و انتصر به لدینک و انصر به اولیائک و اولیاءه و شیعتہ و انصاره و اجعلنا منهم. اللهم اعذه من شر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک

[صفحه ۹۳]

و احفظه من بین یدیہ و من خلفه و عن یمینہ و عن شمالہ و احرسہ و امنعه من ان یوصل الیہ بسوء و احفظ فیہ رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل و ایده بالنصر و انصر ناصریه و اخذل خاذلیہ و اقصم قاصمیہ و اقصم به جبارہ الکفر و اقتل به الکفار و المنافقین و جمیع الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض و مغاربها و برها و بحرہا و املا به الارض عدلا و اظهر به دین نبیک صلی الله علیہ و آلہ. و اجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعتہ و ارنی فی آل محمد علیہم السلام ما یاملون و فی عدوہم ما یحذرون الہ الحق آمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین. تذکر: مستحب است مداومت به این دعای شریف کہ در منهج از حضرت امام محمد باقر (ع) [۱] به سند معتبر روایت شدہ و در این خصوص برای این عاصی واقعہ شریفہ ای اتفاق افتاد کہ ذکرش منافی با اختصار

است: اللهم انك ترى و لا ترى و انت بالمنظر الاعلى و ان اليك المنتهى و الرجعى و ان لك الاخره

[صفحه ۹۴]

و الاولى و ان لك المماه و المحيى رب اعوذ بك ان اذل او اخزى. دعای دیگر که بسیار باید خواند: يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبى على دينك.

[صفحه ۹۵]

ختم کتاب به چند رباعی از انشاء آت این عاصی:

عید آمد و شد ز لاله بستان پر نور

هر کس به خیالی به جهان شد مسرور

ما را غم و محنت و الم شد پر زور

ز آن رو که جمالت بود از ما مستور

ای ما حصل مراد از کون و مکان

بازا که شود جهان به تو و شک جنان

بی دیدن طلعت تو ای جان جهان

حظی نبود مرا ز باغ و بستان

این دل که به مهر تو سرشته ز آغاز

افتاده ز دوری تو در سوز و گداز

ز آن پیش که خصم دون به ما طعنه زند

ما را به یکی نظاره شاهان بنواز

بعون الله تعالى و حسن تاییده تمام شد کتاب کثر الغنائم فى فوائد الدعاء للقائم ارواحنا له الفداء و الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله.

فى شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۳.

[۱] فرمود که جبرئیل به حضرت رسول (ص) عرض کرد بدانید که من با هیچ یک از انبیاء بقدر شما محبت نداشته ام پس بسیار بخوانید این دعا را. حقیر گوید: واضح است که در مقام اظهار محبت کامله به آن جناب اگر تحفه بهتر سراغ داشت آن را ذکر می نمود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

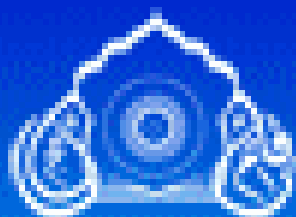
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

